

مناسبات استان‌های سنی با دولت مرکزی عراق پس از داعش

امیرحامد آزاد¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و دوم، شماره 4، پیاپی 88، زمستان 1400؛ صفحات 88 - 59

تاریخ پذیرش نهایی: 1400/10/10

تاریخ دریافت: 1400/09/20

چکیده

بعد از فروپاشی رژیم بعث و ایجاد ساختار دموکراتیک در عراق، جابه‌جایی جایگاه سنی‌ها در هرم قدرت به ایجاد بحران جدیدی در کشور انجامید. این روند با بازگشت و نفوذ بعثی‌ها به حاکمیت و ساختار امنیتی - نظامی عراق شکل پیچیده‌ای از بحران را برای دولت مرکزی ایجاد کرد. در این میان دولت اسلامی عراق و تزریق ایدئولوژی ترویجی ابومصعب زرقاوی، پدیده دیگری بود که ضمن فرهنگ تقوی طلبی سنی‌ها و فرهنگ قبیله‌ای به یک بحران پیچیده تبدیل شد. در نتیجه با آغاز اعتراضات عمومی در استان‌های سنی نشین، شعار اعاده حقوق زورمدارانه اهل سنت توسط دولت اسلامی عراق و داعش و عملیاتی‌سازی آن، روابط سنی‌ها و حکومت مرکزی را از بحران وارد مرحله جنگ کرد. از سوی دیگر بعد از سقوط استان‌های سنی، نشانه‌هایی وجود دارد که به نظر می‌رسد جریان سنی با پذیرش این واقعیت که با توسل به استراتژی‌های قبلی از اعمال مطالبات تمامیت‌خواهانه خود ناتوان است، به سمت فعال‌سازی مکانیسم‌هایی نظیر تشکیل اقلیم مستقل سنی گام بر خواهد برداشت؛ بنابراین تجزیه روند پیچیده پدیدآمده و تحلیل اجزای آن به منظور بازسازی روابط استان‌های سنی نشین با حکومت مرکزی، مسئله محوری مقاله پیش رو را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی

استان‌های سنی، عراق، داعش، آنتروپی

حضور دست‌کم ۷۴ قبیله اصلی در عراق، این کشور را به دنباله‌ای از کشورهای عربی منطقه غرب آسیا بدل کرده است که متأثر از فرهنگ قبیله‌ای و مجموعه‌ای از قبایل هستند که در اصطلاح آن را شبکه پسر عموها قلمداد می‌کنند.^۱ تحکم فرهنگ قبیله‌ای در عراق میراثی برای این کشور باقی گذاشته است که از آن با عنوان «جنگ دائمی» در عراق یاد می‌کنند که بخش مهمی از آن شامل جنگ تاریخی قبایل عراقی با حکومت مرکزی بوده است. حدود ۱۲ قبیله اصلی عراق سنی مذهب و در استان‌های صلاح‌الدین، نینوا، انبار، دیالی و حتی بغداد پراکنده‌اند. از سوی دیگر طی ۵۰۰ سال قبل از سال ۲۰۰۳، اقلیت سنی مذهب عرب عراق که به اعراب جزیره شهرت دارند، بر حاکمیت تسلط داشته‌اند که این توالی طولانی از حضور در رأس هرم قدرت، ایجادکننده فرهنگی تفریق طلبانه در جامعه نخبه عراق بوده است؛ حال آنکه تفکیک سنی‌های عرب عراق از هم‌کیشان کردشان، نسبت جمعیتی سنی‌های پراکنده در استان‌های بخش جزیره و انبار را تنها به ۱۷ درصد کاهش می‌دهد.

به‌رغم پیچیدگی‌های بعد از ۲۰۰۳، به نظر می‌رسد می‌توان عملکرد سینوسی و ترکیبی نخبگان سیاسی و به تبع آن جامعه عوام سنی را ذیل یک هدف کلان تحلیل کرد که عبارت از بازگرداندن شرایط سیاسی کشور به قبل از ۲۰۰۳ است. تا پیش از سال ۲۰۰۳ تمام حکومت‌هایی که بر عراق تسلط یافتند سنی مذهب بوده‌اند و تمام واکنش‌های شدید جریان‌های سنی به ورود شیعیان و کردها به هرم تصمیم‌گیری را نیز از همین منظر تعبیر می‌کنند (صادق‌الهاشمی، ۲۰۱۳: ۸۵). در طول چهار هزار سال تاریخ سیاسی عراق، حدود ۶۰۰ پادشاه و ۴ خلیفه و ۱۴ امیر اموی (از بنی امیه)، ۳۷ امیر عباسی، ۲۳ پادشاه ترک، ۹ سلطان و پادشاه صفوی و ۳۷ سلطان عثمانی بر عراق حکومت کردند، تا اینکه حکومت عراق در ۲۳ آگوست ۱۹۳۲ تأسیس شد. در طول این تاریخ طولانی، تا سال ۲۰۰۳، ۹۵ درصد از حاکمان عراق سنی بوده‌اند (خیری، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹).

۱. HIC MAP: IRAQ BORDER – REFERENCE: ۲۸۴، HUMANITARIAN INFORMATION CENTER of IRAQ



نسبت مشارکت قومیت‌های سه‌گانه در عراق^۱

نظام پادشاهی: ۵۹ وزارت	تعداد وزرا: ۱۶۳	تعداد نخست وزیر: ۵۹
نسبت جمعیت شیعه: ۵۸%	۴۲	۵
نسبت جمعیت سنی: ۲۱%	۱۱۳	۵۴
نسبت جمعیت کرد: ۲۱%	۸	-
نظام جمهوری: ۱۸ وزارت	تعداد وزرا: ۲۹۰	تعداد نخست وزیر: ۱۸
نسبت جمعیت شیعه: ۵۸%	۷۱	۳
نسبت جمعیت سنی: ۲۱%	۲۱۱	۱۵
نسبت جمعیت کرد: ۲۱%	۸	-

فارغ از تصدی وزارتخانه‌های کلیدی توسط سنی‌ها، توجه به نسبت مذهبی - قومی وزرا در دوره پادشاهی و جمهوری تا قبل از فروپاشی رژیم بعث به خوبی مؤید این واقعیت است که سنی‌ها در دوره پادشاهی، ۳۲/۶۹ درصد از کابینه و ۵۲/۹۱ درصد از پست‌های نخست‌وزیری را در اختیار داشته‌اند و این نسبت‌ها در دوره ریاست جمهوری به ترتیب ۷۵/۷۲ درصد از کابینه و ۳۳/۸۳ درصد از پست‌های نخست‌وزیری بوده است. استمرار این وضعیت چنان تأثیری بر فرهنگ و روحیات سنی‌ها گذاشت که مقاومت و تنازع اهل سنت عراق در مقابل فروپاشی این وضعیت بعد از سقوط رژیم بعث را به واکنشی طبیعی نزد ناظران تبدیل کرد (خیری و دیگران، پیشین، ۲۰-۱۹). سنی‌ها با وارد کردن عنصر مذهبی به مناسبات‌شان، از آن به عنوان عامل مشروعیت‌بخش برای سلب حقوق دیگران استفاده می‌کنند که حد اعلامی آن تکیه بر اریکه حکومت است و البته به طور مستقیم بر دیدگاه آنان در مورد حکام غیر سنی نیز تأثیرگذار است. چنان‌که بر اساس آن، اطاعت از حاکم، زمانی واجب است که سنی باشد (الکاتب و عماره، ۲۰۰۷: ۱۳۳).

بر اساس این سیر نظری، عقلای سیاسی سنی در عراق به حکومت رو نمی‌کنند مگر آنکه تمامیت آن را به شکل توتالیترگونه در قبضه خود داشته باشند. همچنین آنان حکومت را میسر نمی‌دانند مگر آنکه بر اساس دیکتاتوری بنا شده باشد که یک شرط برای بازسازی حکومت محسوب می‌شود (صادق الهاشمی، پیشین، ۸۷). «میان‌روی» نقابی است که رویکرد واقعی حکومت اهل سنت را در زمان تسلط بر سایر مذاهب پنهان می‌کند و «همزیستی مسالمت‌آمیز» نیز تنها یک «شعار» است که در زمان

۱. این جدول برگرفته از پژوهش مهدی الشرع در مرکز مطالعات مشرق عربی است؛ لذا بر خلاف تقسیم‌بندی رایج، در این پژوهش سنی‌ها و کردها را براساس قومیت از یکدیگر جدا ساخته است. ضمن اینکه نسبت توزیع مذهبی ارائه شده در این جدول نیز متفاوت از نسبت‌های جدید جمعیتی است. طبعاً براساس رعایت امانت‌داری، نسبت‌های ذکر شده بدون تغییر در این گزارش درج شده‌اند.

حذف کامل شیعیان از نقش آفرینی در صحنه سیاسی-اجتماعی عراق و محرومیت آنان از اعلام هویت مذهبی کاربرد دارد (خیری و دیگران، پیشین، ۴۰).

نمایندگی بخش‌های سه‌گانه قومی در سطوح حکومت‌های موقت و سه‌گانه دائمی
(انتقالی، وحدت ملی و مشارکت ملی)^۱

بخش	حکومت‌های سه‌گانه دائمی	نسبت	ریاست قوای سه‌گانه	نسبت
شیعه	۸۳	۵۴/۶۰%	۱۳	۲۳%
سنی	۴۰	۲۶/۳۱%	۱۰	۲۹/۴۱%
کرد	۲۹	۱۹/۰۱%	۱۱	۳۵%

بر اساس نسبت‌سنجی ترکیب قومی- مذهبی در عراق تا سال ۲۰۱۴، سنی‌ها ۳۱/۸ درصد از جمعیت عراق را به خود اختصاص می‌دهند که اعراب جزیره تنها ۱۷ درصد از این نسبت جمعیتی هستند (http://gulf2000.columbia.edu/images/maps/Iraq_Religions_detailed_lg.png). ۱۴/۲ درصد مابقی جمعیت سنی‌ها، کرد، ۰/۵ درصد از آنها ترکمان و در نهایت ۰/۱ درصد چرکسی‌ها هستند (Ibid). با این وصف مقایسه نسبت اعراب سنی به عنوان یک اقلیت ۱۷ درصدی از جمعیت عراق با تناسب وزرای کابینه در ۳ دولت انتقالی، وحدت ملی و مشارکت ملی، نشان می‌دهد که این بخش از جامعه عراق سهمی بیشتر از نسبت جمعیتی خود در حکومت داشته‌اند و این سهم در ریاست قوای سه‌گانه از شیعیان نیز بیشتر بوده است؛ با وجود این سنی‌ها بعد از ۲۰۰۳ همواره برای بازگشت به دوره طلایی تفوق بر عراق تلاش کرده‌اند.

هر چند کنش‌های دوگانه جریان سیاسی سنی اعم از مبارزه مسلحانه برای براندازی تمامیت دولت جدید عراق و مشارکت در فرایند سیاسی برآمده از همین دولت، ظاهراً آنان را به یک جامعه دو بخشی با دو استراتژی متفاوت تقسیم می‌کند، اما واقعیت اینجاست که روندسازی از کنش هر دو بخش یادشده، مشی متفاوت سنی‌ها را تا حد تاکتیک‌ها یا خرده استراتژی ذیل یک استراتژی کلان تنزل می‌دهد که به‌رغم تعارضات ظاهری و ترتیبات اجرایی متفاوت، دستیابی به یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند. به عبارت بهتر باید گفت تاکتیک‌ها یا خرده استراتژی‌های منفصل سنی، حاصل تجارب برآمده از آزمون و خطای سال‌های بعد از ۲۰۰۳ است که به طور مرتب در حال روزآمدسازی و اصلاح هستند. البته از سوی دیگر، تحلیل روند کنش سنی‌ها در عراق مؤید این

۱. این جدول برگرفته از پایان‌نامه دکتری عدی فالح حسین با موضوع جدال شراکت و معارضة در نظام سیاسی عراق بعد از ۲۰۰۳ است. لذا ۳ بخش قومیتی درج‌شده در این جدول به رسم امانت‌داری به همان شکل منتقل شده است، اما نسبت‌ها به دلیل غلط‌های محاسباتی فاحش اصلاح شده‌اند.

واقعیت است که تاکتیک‌ها یا خرده استراتژی‌های منفصل آنان بعضاً متأثر از روند رقابت سنی‌ها بر سر منابع محدود بوده که نتیجه آن بروز تعارض و شکست در استراتژی کلان و بعضاً تقابل خرده استراتژی‌ها با یکدیگر بوده است. از سوی دیگر، اصلاح تاکتیک‌ها در جریان سیاسی سنی با جهش در رویکرد و کنش جامعه شیعه، جهش در روند بحران امنیتی در عراق بعد از ظهور داعش و به تبع آن تغییر توازن در نقش آفرینی بازیگران خارجی همراه بوده که نتیجه آن ترکیب پیچیده‌ای از آنتروپی‌ها در سیستم دولت عراق است. با این وصف در ادامه تلاش خواهیم کرد تا ضمن تجزیه این سیستم پیچیده، به تحلیل اجزا و آنتروپی‌های موجود در آن پردازیم و در نهایت با ترسیم الگوی برآمده از آن، استراتژی پیشنهادی برای ترسیم الگوی جدید مناسبات با سنی‌ها را ارائه دهیم.

چارچوب نظری: سیستم و آنتروپی‌ها

آنتروپی (فروپاشی) یک مفهوم کلیدی در نظریه عمومی سیستم‌هاست که در ترمودینامیک از آن به عنوان قانون دوم یاد می‌شود و محور تئوریک گزارش پیش رو را نیز به خود اختصاص می‌دهد. هر چند نظریه عمومی سیستم‌ها اساساً در زیست‌شناسی تولید شد، اما به علوم اجتماعی و سیاسی نیز تسری پیدا کرد و البته در فیزیک و علوم نظامی و امنیتی نیز کاربرد دارد.^۱ طبعاً به دلیل حوزه گسترده کاربرد، این نظریه از ابعاد پیچیده، متکثر و مبتنی بر محاسبات ریاضی برخوردار است و بر همین اساس در این گزارش با توضیح مختصر و ساده درباره سیستم، بر مفهوم کلیدی آنتروپی و نقش و کاربرد آن برای مهار آشوب و کنترل روابط استان‌های سنی نشین عراق با حکومت مرکزی متمرکز خواهیم شد. از همین منظر باید گفت به دلیل سیالیت مفاهیم در علوم اجتماعی و تفاوت مفهوم آن در رشته‌های مختلف از ورود به مناظرات در این نظریه پرهیز و تلاش خواهد شد ضمن انطباق شواهد عینی این گزارش با محور کلیدی در این نظریه به ارائه راهکار پردازیم.^۲

۱. برتالانفی، زیست‌شناس و متفکر اتریشی، مفهوم نظریه عمومی سیستم‌ها را طی سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ مدون کرد. وی معتقد بود که ارگانیسم‌ها، سیستم‌های باز هستند؛ یعنی با محیط اطراف خود تبادل ماده‌ای دارند. به این ترتیب نظریه سیستم‌های باز، وسیله‌ای شد تا برتالانفی افکار خویش را توسعه دهد و محدوده آن را از زمینه علوم زیستی به شاخه‌های دیگر معرفت نیز گسترش دهد. مفهوم آنتروپی در سال ۱۹۷۵ توسط استفن کلمن وارد علوم سیاسی شد. او در پایان‌نامه خود با موضوع ترمودینامیک‌های سیاسی، تلاش کرد نظریه‌ای برای اندازه‌گیری آنتروپی‌های سیاسی ارائه دهد. البته او از ترکیب استعاره‌ها و مدل‌های موجود در نظریه اطلاعات نیز بهره برد. او استدلال کرد که پیمایش آنتروپی معدلی از عدم قطعیت‌های اجتماعی درباره آنچه در نظام اجتماعی رخ خواهند داد، ارائه می‌دهد. یک درجه آنتروپی در سیستم اجتماعی شبیه خواندن درجه حرارت یا حجم گاز در یک دستگاه ترمودینامیک است. در یک حالت تعادل دمایی، قابلیت اندازه‌گیری دمایی، درجه هر بخش از سیستم را مشخص خواهد کرد. بنابراین اگر یک سیستم اجتماعی در شرایط تعادل باشد، یک آنتروپی قابل اندازه‌گیری، یک واحد از سیستم یا زیرسیستم‌های آن را توصیف می‌کند. این مسئله از این منظر مهم است که برای حفظ تعادل در بخش‌های مختلف یک سیستم، باید اندازه آنتروپی در زیرسیستم‌های آن مشخص شود.

۲. یکی از نمونه‌های تعارض، مباحث پیچیده بر سر تعریف نقش آنتروپی در تعادل در علوم مختلف است. واژه

«سیستم» در لغت به معنای دستگاه، سیستم، نظام، قاعده، دستگاه حکومت و... است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست. اجزا و روابط سیستم توسط ویژگی‌های معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند (منوری، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۳).

سیستم حداقل از دو جزء تشکیل شده است که با یکدیگر در ارتباط هستند و روی سیستم اثر می‌گذارند. البته همیشه خصوصیت سیستم متفاوت از اجزای آن است (همان).

سیستم‌ها به انواع باز و بسته، اصلی و فرعی، قطعی و احتمالی، طبیعی و مصنوعی و متحرک و ثابت قابل تقسیم‌بندی هستند که تمرکز چارچوب نظری این گزارش بر سیستم باز^۱ خواهد بود. منظور از سیستم باز در این گزارش دولت عراق و زیرسیستم مد نظر آن یعنی استان‌های سنی‌نشین هستند که بر اساس تعریف ارائه شده از سیستم باز، با محیط خود کنش و واکنش متقابل دارند.

همان‌طور که پیشتر بیان شد، تمرکز چارچوب نظری این گزارش بر ویژگی آنتروپی (گرایش به فنا) است. در هر سیستم عواملی وجود دارند که در خلاف جهت نظم سیستم عمل می‌کنند و مختل‌کننده انتظام سیستم هستند. این عوامل را «آنتروپی مثبت» می‌خوانند. اما گونه دیگر «آنتروپی منفی» است که خلاف جهت آنتروپی مثبت، برای ایجاد تغییرات و تعدیلات در جهت اصلاح انحرافات و به منظور بقای سیستم در محیط عمل می‌کند. بیشتر انرژی که در سازمان‌های اجتماعی صرف می‌شود در جهت نگهداری ساختار و مقابله با آنتروپی مثبت اجتماع است که آنومی یا بی‌هنجاری بالاترین سطح آن را تشکیل می‌دهد.

برای مقابله با آنتروپی مثبت و ایجاد تعادل، پیش از هر چیز باید به شناخت متغیرهای کلان اجتماعی پرداخت که دارای ویژگی‌های تجمیعی باشند. از میان نظریه‌پردازان سیستم‌های عمومی پروفیسور بیلی شس و ویژگی کلان اجتماعی مؤثر در میزان آنتروپی مثبت را برشمرده است:

۱. قلمرو فضایی: تمام سیستم‌های اجتماعی در یک قلمرو فضایی عمل می‌کنند که عبارت از تمام اجزای فیزیکی، زیستی و نیز منابع غذا و آب و هواست.

۲. اندازه جمعیت: دومین ویژگی یک سیستم واقعی است که در یک نقطه از زمان به موازات قلمرو فضایی ثابت در نظر گرفته می‌شود.

۳. سطح زندگی: عبارت است از مقدار کلی منابع (مثل معادن، انرژی و غیره) که با قلمرو فضایی و

آنتروپی توسط کلازیوس ابداع و به عنوان قانون دوم ترمودینامیک مطرح شد. بر این اساس در یک سیستم ترمودینامیکی منزوی، آنتروپی کاهش نمی‌یابد، بلکه یا ثابت می‌ماند یا آنکه افزایش می‌یابد تا آنکه به فروپاشی سیستم بینجامد. بنابراین در یک سیستم بسته، تعادل زمانی برقرار خواهد شد که سیستم مرده باشد؛ در حالی که در علوم اجتماعی اساساً تعادل از مفهومی مثبت برخوردار است و انتظار می‌رود که در شرایط برقراری تعادل در اجتماع، آنتروپی به حداقل ممکن رسیده باشد.

اندازه جمعیت همبسته است؛ برای مثال کاهش قلمرو فضایی، کاهش منابع و در نتیجه کاهش سطح زندگی را به دنبال خواهد داشت.

۴. فناوری: فناوری عبارت از ابزارهایی است که جامعه برای به کارگیری اطلاعات و انرژی و در راستای پیگیری اهداف استفاده می‌کند. سطح فناوری یک عامل همبسته با سطح زندگی است، زیرا بدون استفاده از فناوری نمی‌توان از منابع بهره برد. به عبارت بهتر با کاهش یا افزایش سطح فناوری، سطح زندگی نیز جابه‌جا می‌شود.

۵. سازمان: واحد تحلیل ساختار سازمانی، جایگاه است که بیشتر آن را مشاغل تشکیل می‌دهند. جایگاه، عبارت از فعالیت تنظیم‌شده با هنجارها که اطلاعات و انرژی را در راستای دستیابی به اهداف پردازش و استخراج می‌کند. بنابراین جایگاه از همبستگی بالایی با فناوری و میزان جمعیت برخوردار است.

۶. اطلاعات: اطلاعات نه تنها شامل اطلاعات به معنای ارتباطی آن بلکه شامل همه عناصر فرهنگی مثل باورها، مذهب و ارزش‌هاست.

دو ویژگی مهم دیگر در مهار آنتروپی عبارت از تغییرپذیری و تغییرناپذیری هستند. ویژگی‌های تغییرپذیر از توزیع جمعیت در میانه پنج ویژگی کلان اجتماعی حاصل می‌شوند و ویژگی‌های تغییرناپذیر عبارت از مواردی نظیر نژاد و جنس و قومیت هستند که می‌توانند با ویژگی‌های تغییرپذیر همبستگی داشته باشند و جایگاه فرد را در جامعه تعیین کنند (همان، ص ۸۸).

سیستم‌های اجتماعی پیچیده نظیر بروکراسی‌های مدرن، آنتروپی پایینی دارند، از کمترین شکنندگی ممکن برخوردارند، به خوبی عمل می‌کنند و به سختی خراب می‌شوند. در چنین سیستم‌هایی، اجزای به هم مربوط و با هم در تعامل اند و وضعیت هم‌افزایی بر روابط آنها حاکم است. «ارتباطات پویا» یکی از شاخص‌های پیچیدگی است که به گونه‌ای وسیع و گسترده به معنی تسهیم تجارب از طریق برقراری «ارتباط مؤثر»^۱ بین انسان‌ها تعریف شده است؛ در عین حال، روش تحلیلی میزان تطابق با نوآوری (روش پلینا)^۲ نشان می‌دهد بیشتر سیستم‌ها از جنبه فرهنگ و سرمایه انسانی به صورت مستقل و تا

۱. عموماً ارتباط زمانی مؤثر است که بتواند محرکی را به عنوان آغازگر (مورد نظر فرستنده) با محرك مشهودی که گیرنده از خود بروز می‌دهد، در يك جهت قرار دهد و آن دو را به گونه‌ای نزدیک به هم، مورد توجه قرار دهد. نفوذ در نگرش‌ها یکی از پیامدهای ارتباط مؤثر است؛ اما باید در نظر داشت که درك یکدیگر و توافق با یکدیگر دو معنی کاملاً متمایز از یکدیگرند. هر چند درك یکدیگر به توافق با یکدیگر کمک می‌کند، لزوماً درك بهتر از یکدیگر به توافق بهتر نمی‌انجامد؛ زیرا ممکن است با درك درست از پیام مخاطب فرد بر دامنه مخالفت خود بیفزاید.

۲. جورج پلینا (۱۹۸۵-۱۸۸۷) مدلی عمومی برای شمارش اعداد مدور يك گروه مستقر بر شکلی ویژه را ارائه کرد. این روش با عنوان قضیه سرشماری پلینا شناخته شد.

حدودی بی ارتباط به سازوکارهای عملکردی سیستم‌های دیگر عمل می‌کنند؛ از این رو مؤثر عمل کردن کانال‌های ارتباطی و تعداد آنها تا حد زیادی به بینش انسانی و قدرت تفسیر وی از نشانه‌های حاصل از ارتباطات بستگی دارد (رحمان سرشت، ۲۳-۱).

البته آشوبناکی رفتارها و حرکت‌های پدیده‌های برآمده از آنتروپی‌ها از نظم‌ی غایی خبر می‌دهند. بر این اساس آشوبناکی تصادفی نیست؛ بلکه نظم‌ی درون بی‌نظمی و قاعده‌ای درون بی‌قاعدگی حکم فرماست که می‌توان از آن برای تحقق اهداف سازمان بهره گرفت. بر اساس این شرح نظری کوتاه از مفهوم سیستم و آنتروپی، در ادامه تلاش خواهد شد با روندسازی از کنش و واکنش حکومت مرکزی عراق و استان‌های سنی‌نشین عراق به تعیین مصادیق سیستم‌ها، زیرسیستم‌ها و آنتروپی‌های مثبت و منفی در این ارتباط پردازیم تا پس از تحلیل، قادر به یافتن نظم حاکم بر آشوب سنی‌ها برای مهار یا هدایت آن باشیم.

آنتروپی‌ها در سیستم عراق و زیرسیستم سنی

در اینجا تلاش می‌شود با در نظر گرفتن دولت عراق به عنوان یک سیستم و استان‌های سنی به عنوان یک زیرسیستم به شناخت آنتروپی‌های مثبت برآمده از آن پردازیم که دولت عراق را به واسطه آشوب ایجادشده به سمت فروپاشی پیش برده است. همچنین تلاش می‌شود با در نظر گرفتن استان‌های سنی به عنوان یک سیستم مستقل به شناخت آنتروپی‌های مثبت درون آن پردازیم که نتیجه فعالیت آنها تضعیف زیرسیستم سنی و آنتروپی‌های برآمده از آن علیه سیستم دولت عراق است.

۱- آنتروپی‌های مثبت برآمده از زیرسیستم سنی

یکی از اجزای اساسی آنتروپی برآمده از زیرسیستم سنی، نفوذ دوباره بازماندگان حزب بعث به ساختار حاکمیت و تلاش جریان سیاسی سنی برای معنی‌سازی ساختار قدرت در عراق است. در واقع باید کنش و اقدامات بازماندگان بعث در ساختار حاکمیت عراق را به چیزی شبیه یک موتور محرک قدرتمند یا یک عامل واسط برای عملکرد مخرب سایر اجزای آنتروپی برآمده از زیرسیستم سنی قلمداد کرد که بدون نقش‌آفرینی آن، امکان اخلال جدی بر این عوامل وجود نخواهد داشت. البته استراتژی بعثی‌سازی بخشی از آنتروپی زیرسیستم سنی محسوب می‌شود که منشأ آن تنها داخل زیرسیستم نیست، بلکه روند بازگشت بعثی‌ها به سطوح مختلف ساختار قدرت عراق، پدیده‌ای چند وجهی است که به صورت هم‌افزا از سوی ایالات متحده آمریکا، دولت عراق و حتی کمیسیون عالی بازخواست و عدالت بر بستر قانون اساسی عراق رشد کرده و شرایط آشوبناکی سیستم دولت در عراق را فراهم آورده است. در واقع باید گفت بعثی‌سازی شامل سلسله اقدامات

نرمی است که خود متن قانون اساسی عراق، راه آن را هموار کرده و عملاً فرایند بازگرداندن حزب بعث به ساختار سیاسی عراق را تسهیل کرده است.

بند اول از ماده هفتم قانون اساسی عراق به طور خاص فعالیت تشکیلات بعث صدامی در عراق را تحت هر نامی و چارچوب تکثرگرایی سیاسی ممنوع اعلام کرده است (<http://www.iraqinationality.gov>). همچنین بند سوم از ماده ۱۳۵ قانون اساسی عراق، نامزدی هر یک از مضمولین احکام بعثی‌زدایی را برای مناصب ریاست‌جمهوری، نخست‌وزیری، وزیری، نمایندگی پارلمان، شورای فدرال، سازمان قضایی و هر منصب دیگر ممنوع کرده است. مواد یادشده حکایت از این دارد که قانون اساسی عراق تمام راه‌های بازگشت بعثی‌ها به ساختار حکومت و نهادهای نظامی و امنیتی را مسدود کرده است؛ در حالی که رجوع به بند پنجم از ماده ۱۳۵ قانون اساسی عراق نشان می‌دهد متن قانون اساسی، به‌رغم سخت‌گیری، راه فرار از آن را نیز باز گذاشته است. این بند از ماده ۱۳۵ چنین تصریح می‌کند: «صرف عضویت در حزب منحل‌شده بعث نمی‌تواند باعث ارجاع به دادگاه شود و عضو این حزب مادامی که مشمول احکام ریشه‌کنی حزب بعث و دستورالعمل‌های صادرشده در مورد آن نشده باشد از حقوق برابر در محضر قانون برخوردار است.» (http://www.iraqinationality.gov.iq/attach/constitution_ar.pdf)

البته رجوع به تاریخ تصویب قانون اساسی عراق در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۵، حکایت از این دارد که زمینه‌سازی برای بازگرداندن بعثی‌ها، یک سال بعد از اشغال کشور و توسط پل برمر، حاکم نظامی عراق، آغاز شده است. وی روز ۱۶ می ۲۰۰۳، یعنی تنها ۴ روز بعد از ورود خود به عراق، در اولین اقدام خود به عنوان متصدی موقت نیروهای ائتلاف در اداره این کشور، بر اساس طرح «فیث» و دستور وزیر دفاع آمریکا، فرمان انحلال بعث، نابودی ساختار این حزب و کنار گذاشتن کادر رهبری و انحلال جایگاه‌های این حزب از جامعه عراق را صادر کرده بود. بر اساس بند دوم این دستور، همه نیروهای عضو در فرماندهی منطقه‌ای، شاخه‌ها، شعبه‌ها، گروه‌ها و اعضای ارشد حزب باید جایگاه‌های خود را ترک می‌کردند و در آینده نیز از اشتغال در مناصب مربوط به خدمات عمومی محروم می‌شدند. همه اعضای ارشد حزب می‌بایست در ارتباط با انجام اقدامات مجرمانه یا تهدید امنیت نیروهای ائتلاف مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند. همه مظنونین می‌بایست مورد بازجویی قرار می‌گرفتند. همچنین اگر احتمال بروز تهدیدی از ناحیه آنان وجود داشت یا احتمال فرار آنان داده می‌شد، باید در بازداشت یا حبس خانگی از آنان محافظت می‌شد.

در بند سوم این دستور تاریخی ذکر شده بود که افراد شاغل در موقعیت‌های سه‌لایه برتر مدیریتی وزارت‌خانه‌های دولتی، مؤسسات وابسته به دولت و سایر دستگاه‌های دولتی نظیر بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها باید پیش از تصدی، به واسطه عدم عضویت در حزب بعث و



مجموعه‌های مرتبط با آن مورد ارزیابی قرار گیرند. بنابراین براساس این فرمان، همه افرادی که به خاطر عضویت در حزب بعث بازداشت شده بودند، باید از مشاغل خود اخراج می‌شدند. این مسئله شامل همه افراد رده پایین اعم از اعضا و فعالان و افراد تعیین شده توسط اعضای ارشد حزب می‌شد. بند چهارم این دستور استفاده تصاویر صدام یا افراد وابسته به او یا نمادهای مربوط به رژیم سابق و حزب بعث در ساختمان‌های دولتی را ممنوع اعلام کرد. در بند پنجم برای ارائه اطلاعات منجر به دستگیری اعضای ارشد حزب، پاداش تعیین شد.

البته فرمان اولیه پل برمر نیز مثل قانون اساسی عراق، به‌رغم بندهای سخت‌گیرانه، راه فرار و بازگشت احتمالی به وضعیت قبل را باز گذاشته بود. بر این اساس در بند ششم از فرمان پل برمر ذکر شده بود: «اداره موقت ائتلاف ممکن است برای هر یک از رهنمودهای پیشین، بر حسب مورد آن استثنا قائل شود.» (<http://www.iraqcoalition.org/regulation>)

برمر، روز ۲۳ می ۲۰۰۳، فرمان ۷ بخشی دیگری صادر کرد که شامل تعهدات مالی، اعضا و کارمندان می‌شد و به موجب آن، اعضای ارتش و نیروهای امنیتی از کار برکنار شدند. این فرمان شامل وزارتخانه‌های دفاع، اطلاعات، روابط نظامی، سرویس اطلاعات و دفتر امنیت عراق، اداره امنیت ملی و سازمان امنیت ویژه بود. همچنین همه اشخاص وابسته به صدام از جمله محافظان وی اعم از اسکورت و گارد ویژه را دربرمی‌گرفت. همچنین ارتش، نیروهای هوایی، دریایی، پدافند و سایر دستگاه‌های معمول نظامی مشمول این دستور بودند. گارد ریاست جمهوری، گارد ویژه ریاست جمهوری، ریاست اطلاعات نظامی، «ارتش قدس» و «نیروهای اضطراری» نیز دیگر بخش‌های مشمول این قانون بودند. شبه‌نظامیان وابسته به صدام شامل فدائیان، «میلیشای بعث»، «هواداران صدام»، «بچه شیران صدام» و سایر دستگاه‌های وابسته اعم از «دیوان ریاست جمهوری»، «دبیرخانه ریاست جمهوری»، «شورای فرماندهی انقلاب»، «مجلس ملی»، «سازمان جوانان» (الفتوه)، کمیته المپیک ملی، دادگاه‌های انقلاب، ویژه و امنیت ملی و همه سازمان‌های وابسته به آنها منحل شدند (<http://www.iraqcoalition.org/regulations/>).

برمر روز هفتم نوامبر همان سال نهادی به نام «کمیسیون عالی میهنی بعثی‌زدایی» تأسیس کرد که وظیفه آن ریشه‌کن‌سازی بعثی‌های ارشد از وزارتخانه‌ها بود. بر اساس ادعای آمارهای منتشر شده در سال ۲۰۱۰، با اجرای قانون بعثی‌زدایی در عراق، بعد از فرمان اولیه و ثانویه پل برمر، حدود ۵۰۰ بعثی و بعد از تشکیل کمیسیون بعثی‌زدایی بین ۸۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ هزار نفر دیگر از اعضای حزب از ادارات دولتی پاکسازی شدند که ۴۰۰۰۰ نفر از آنان را آموزگاران مدارس

در برمی‌گرفتند. بر این اساس مهم‌ترین رهبران حزب که تعدادی معادل ۵ تا ۱۰ هزار نفر بودند، اجازه درخواست تجدید نظر برای بازگشت به مشاغل خود را نداشتند (Otterman, ۲۰۰۵).

با این وصف، پاکسازی بعثی‌ها از ساختار حاکمیت به روند خود ادامه نداد و ۱۱ ماه بعد از صدور اولین فرمان، عمل به استثنائات آغاز شد. بر این اساس در آوریل ۲۰۰۴، پل برمر با اعلام اینکه فرمان بعثی‌زدایی به شکل ضعیف، یکنواخت و ظالمانه اجرا می‌شود، از بررسی طرحی خبر داد که به افسران ارشد اجازه می‌داد به خدمات نظامی بازگردند. البته یک ضلع مهم از فرایند شکست بعثی‌زدایی در داخل ساختار حاکمیت قرار داشت. مثلاً ایاد علاوی، نخست‌وزیر موقت عراق که شیعه سکولار بود، خود یک بعثی بود که قویاً از بازگشت بعثی‌های سابق به سرویس‌های امنیتی حمایت می‌کرد و یک گروه با عنوان «پیمان ملی عراق» را که عمدتاً از بعثی‌های سابق بودند، تشکیل داده بود (Ryan Pavel, ۲۰۱۲).

پل برمر شاهد افزایش آمار تلفات نیروهای ائتلاف توسط شورشی‌ها بود که از ۵۸۰ نفر در سال ۲۰۰۳ به ۹۰۶ نفر در سال ۲۰۰۴ رسیده بود و حامیان بازگشت بعثی‌ها به ساختار حاکمیت، با سه ادله به فشار خود ادامه می‌دادند:

۱. ۷۵ درصد از جامعه سنی عراق عضو حزب بعث بوده‌اند (Otterman, ۲۰۰۵).

۲. بخش زیادی از شورشیان را بعثی‌ها تشکیل می‌دهند که با بازگشت به حاکمیت دست از اقدامات خود بر می‌دارند.

۳. مهار شورش تنها از عهده نیروهای زبده بر می‌آید که عمده آنان را بعثی‌های پاکسازی‌شده تشکیل می‌دهند (<http://icasualties.org/Iraq/index.aspx>).

این وضعیت در نهایت باعث شد تا برمر با صدور فرمان شماره ۱۰۰ در روز ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴، «کمیسیون عالی میهنی بعثی‌زدایی» را منحل اعلام کند (<http://www.iraqcoalition.org>).

با این وصف بازگشت بعثی‌ها به ساختار حاکمیت عراق، به روندی جاری تبدیل شد. هر چند کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت در بیانیه‌ها و اعلام‌های نوبه‌ای خود تأکید می‌کند که هیچ راهی برای بازگشت حزب بعث به حاکمیت عراق وجود ندارد (<http://ncajustice.iq>)، اما همین کمیسیون در ادامه روند جاری، عملاً راه بازگشت اعضای این حزب به حکومت را باز کرده که معنی آن تداوم بعثی‌سازی ساختار حکومت عراق است. کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت طی گزارشی که در سال ۲۰۱۴ منتشر کرده بود، ادعا داشت در جریان بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات، ۷۶ عضو فهرست العراقیه و ۶۸ عضو فهرست ائتلاف ملی را ذیل قوانین بعثی‌زدایی رد کرده است. این گزارش همچنین از پاکسازی ۳۷۶ نظامی و مسئول امنیتی از پست‌های خود خبر داده بود که بین آنان ریاست سازمان اطلاعات نظامی و فرمانده کل پلیس



اقلیمی و ۱۸ شخصیت بارز سیاسی نیز قرار داشته‌اند. البته همین گزارش تصریح می‌کند که ۸۰۰۰۰ جمعی ارتش که مشارکت آنان در جنایات بعث به اثبات نرسیده بود، طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ به خدمت بازگردانده شدند و این رقم در مؤسسات غیرنظامی بعد از تصویب قانون شماره ۸ بعثی‌زدایی در سال ۲۰۱۰، شامل ۴۱۰۰۰ کارمند بوده است (<http://ncajustice.iq>).

البته این روند همچنان تا سال ۲۰۱۶ ادامه داشته و کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت در ماه ژانویه بر اساس مصوبه قس/۱۵/۱۲۳۰۰/۹/۱۵۰۴ که در ۲۰۱۵/۹/۱۵ تصویب شده بود، طبق بند پنجم از ماده ۶ و بند دوم از ماده ۷، به اعضای بخش «فرقه»^۱ در حزب بعث فرصت داد تا درخواست بازگشت خود به مشاغل قبلی خود را به کمیسیون ارائه دهند. این کمیسیون به اعضای فرقه که ساکن عراق بودند ۶۰ روز و به بعثی‌های ساکن خارج از عراق ۹۰ روز مهلت می‌داد تا به شرط تطبیق بند ۶ از ماده ششم قانون بعثی‌زدایی (<http://ncajustice.iq>) به محل‌های خدمتی خود بازگردند.

در حالی کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت از این روند با عنوان تسهیل شرایط بازگشت بعثی‌هایی یاد می‌کند که دست آنان به خون ملت عراق آلوده نیست که آنچه رخ می‌دهد یکی از نتایج فشارهای مستمر بعثی‌های داخل ساختار حاکمیت نظیر ایاد علاوی است. در واقع این ادبیات شعار ثابت وی از زمان تصدی ریاست دولت موقت تا کنون بوده که است «بعثی‌های پاك که دست‌شان به خون آلوده نیست، قادرند در ساخت عراق بهتر مشارکت کنند»^۲. (<http://www.khabaronline.ir>)

البته بازگشت بعثی‌ها به ساختار حاکمیت در رده فرقه و پایین‌تر از آن، روند جدیدی محسوب نمی‌شود. هر چند اجازه بازگشت اعضای فرقه به مشاغل دولتی، بعد از تغییر قانون بعثی‌زدایی به بازخواست و عدالت در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲ صادر شد (مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۳: ۶۲)، اما باید گفت بخش زیادی از آنان تا سال ۲۰۰۹، توسط نوری مالکی از قانون بعثی‌زدایی مستثنی شده و به

۱. اعضای فرقه توسط حکومت موقت عراق به عنوان اعضای عالی‌رتبه بعث معرفی شده بودند. اعضای فرقه نقشی در سیاست‌گذاری نداشتند، اما حزب به آنان صلاحیت نظارت بر ادارات حکومتی و امنیتی و پیگیری گزارش‌ها در مورد افراد و اجرای دستورهای مسئولین عالی‌رتبه و ارائه گزارش در مورد افراد به مسئولان را داده بود.

۲. ایاد علاوی در گفت‌وگو با پایگاه فارسی خبر آنلاین که روز ۲۳ اسفند ۱۳۸۹ منتشر شده بود، به بعثی‌ها و تعریفی که از مبارزه با حزب بعث و طرفداران رژیم صدام شده، اشاره کرده و در این باره گفته بود: «بعثی‌ها را باید به دو بخش تقسیم کرد. یک بخش، کسانی که دست‌شان به خون ملت آلوده است و دست دوم، کسانی که عضو حزب بعث بودند ولی دست‌شان به خون مردم آلوده نیست. من نمی‌توانم بگویم که در عراق کسی نیست که افکار بعثی‌ها را ترویج نمی‌کند؛ اما برای اینکه سیاه و سفید از هم تشخیص داده شوند باید راهکار مشخصی اتخاذ شود که در حق کسی اجحاف نشود. مشکل ما سر همین تشخیص است. ما می‌گوییم فلان شخص از بعثی‌هایی است که جزء دسته دوم محسوب می‌شود، اما همین فرد از نگاه طرف سیاسی ما جزء بعثی‌های دسته اول معرفی می‌شود. مثلاً خیلی‌ها گفتند که من بعثی هستم؛ در حالی که من خود از قربانیان جنایت‌های حزب بعث هستم.»

مشاغل پیشین خود بازگشته بودند. این تعداد علاوه بر ۸۰ هزار نظامی بازگشته به وزارت دفاع، شامل ۱۸۰۰ نفر در وزارت اطلاعات رسانی و ۸۰۳۴ عضو فرقه بود که در دوایر ۱۵ استان محل خدمت خود، دوباره به کار گرفته شدند. همچنین ۷۷۸۴ بعضی عضو فرقه به ۳۲ وزارتخانه دولتی بازگشتند (<http://www.akhbaar.org/home/۲۰۰۹/۰۴/۶۷۸۴۶.html>).

برنارد ترینور، ژنرال بازنشسته تفنگ‌داران ایالات متحده آمریکا، معتقد است دسته دوم نفوذی‌ها که شامل «هوادران شورشیان» می‌شدند، نسبت بسیار بیشتری از بخش اول را به خود اختصاص می‌دادند. این عده هر چند در مقابل دولت جدید عراق و نیروهای ائتلاف دست به سلاح نبرده بودند، اما اقدام به ارائه اطلاعات و کمک به شورشیان می‌کردند. انگیزه‌های آنان از اتخاذ چنین رویه‌ای شامل طیف گسترده‌ای از دلایل اعم از وابستگی مالی آنان به حامیان صدام، نفرت از اشغالگران و وابستگی قومی و قبیله‌ای آنان به شورشیان حاضر در میدان بوده است. بسیاری از نیروهای پلیس و امنیتی هر روز بعد از ساعات کاری در خانه یا محل‌هایی به سر می‌بردند که از سوی عشیره خود محاصره شده و از آنان مطالبه خروج از دستگاه یا کمک می‌شده است (<http://www.cfr.org/bio.php?id=۸۴۹۶>).

شورای روابط خارجی آمریکا دسته سوم نفوذی‌های بعضی را شامل نیروهایی می‌داند که زیر تهدید شورشیان قرار داشته و بر اساس فشار اقدام به ارائه اطلاعات به گروه‌های شورشی می‌کرده‌اند (<http://www.cfr.org/iraq/iraq-infiltration-iraqi-forces/p۷۸۲۸>).

بنابراین با درک این مسئله که بیش از نصف استعداد نیروهای جمعی ارتش و نهادهای امنیتی عراق (۵۴ درصد) را بعضی‌ها تشکیل می‌دهند، سقوط یک‌شبه موصل از یک مسئله عجیب و پیچیده به پدیده‌ای قابل درک تقلیل می‌یابد.

در واقع توفیق داعش در اجرای عملیات «شکست دیوارها»^۱ نیز یک شاهد عینی از عوارض پدیده بازگشت بعضی‌ها به ساختار نهادهای نظامی و امنیتی در عراق محسوب می‌شود. داعش در این دو عملیات با حمله به زندان‌های تاجی و ابوغریب در روزهای ۳۰ و ۳۱ تیر ۱۳۹۲ موفق شد به ترتیب ۱۵۰ و ۶۰۰ زندانی را که ۴۰ درصد از آنان اعضای دولت اسلامی عراق در زندان‌های «بوکا» در بصره، کمپ «کروبر» در فرودگاه بغداد و ابوغریب بودند، آزاد کند.

این دو عملیات در حالی انجام شد که وزارت دادگستری عراق دو ماه پیشتر، از اجرای آن اطلاع داشت و در روز ششم خرداد ۱۳۹۲ با استناد به نامه‌ای از دولت اسلامی عراق، نسبت به

۱. «عملية تكسير الجدران» - «تحطيم الجدران» - در پایان سال ۲۰۱۳ داعش با انتشار آمار عملیات خود نام این عملیات را «قهر الطواغیت» اعلام کرد.

حمله قریب‌الوقوع به زندان تاجی هشدار داده بود (<http://www.almadapress.com>). در این رابطه، مرکز مطالعات عراق با استناد به نظر کمیته امنیتی عراق، مسئولیت فرار زندانیان تاجی و ابوغریب را متوجه مدیریت زندان و محافظان آن می‌داند که اقدام به شکستن حصار زندان و فروش اطلاعات به شاخه القاعده در عراق کرده بودند. طبق این گزارش، مسئولان زندان معادل ۲۰۰ هزار دلار برای انجام این عملیات دستمزد دریافت کرده و تجهیزات ارتباطی خود را در قبال دریافت ۳ میلیون دینار، برای برقراری ارتباط با القاعده عراق در اختیار زندانیان گذاشته بودند. براساس این گزارش، فرمانده ستاد لشکر چهارم از نیروی پلیس مرکزی و فرمانده یکی از گردان‌های پلیس و معاونش که مسئول حفاظت از این زندان‌ها بوده‌اند، در کنار برخی مقامات سازمان حفاظت اطلاعات در این عملیات نقش‌آفرینی کرده بودند (مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۳: ۴۱).

البته پرونده دو زندان ابوغریب و تاجی تنها مثنی از خروار درباره نفوذ بعثی‌ها در نهادهای نظامی و امنیتی عراق جدید است که دولت این کشور را واجد ویژگی‌های یک دولت ورشکسته کرد^۱ و طی سال‌های ۹۱ و ۹۲، عراق را با کمتر از ۵ درصد توانایی استفاده از ظرفیت قانون برای مقابله با تروریسم تنها از سومالی و افغانستان بالاتر قرار داد (Seth G. Jones, ۲۰۱۴). به طور کلی باید گفت بعثی‌سازی نوین در عراق از روند پیچیده و چند وجهی برخوردار است که به‌رغم خود موضوع و معضلات برآمده از آن باید گفت در واقع قانون اساسی عراق، دولت و جریان‌های سیاسی بیشترین نقش را در بازگشت بعثی‌ها به حاکمیت بازی کرده‌اند.^۲ با این وصف منشأ اصلی تولید مهم‌ترین جزء آنتروپی در زیرسیستم سنی در داخل سیستم دولت عراق قرار دارد که توقف مکانیسم عمل آن تقریباً امری محال به نظر می‌رسد.^۳

۱. «دولت ورشکسته»، (Failed State) واژه‌ای است که بعد از جنگ سرد و در تعریف دولت‌هایی مطرح شد که قادر به تأمین امنیت اولیه خود نیستند. چنین دولت‌هایی همچنین قادر به اعمال کنترل بر مرزهای خود نبوده و مالکیت موجود برای آنان قابل بازتولید نیست.

۲. این یک واقعیت است که بنیان‌گذار تاریخی بعثی‌سازی نوین در عراق نوری مالکی است که با اعلام طرح آشتی ملی در ژوئن ۲۰۰۶ و تبدیل آن به وزارت آشتی ملی آغاز شد، با توقف فعالیت دادگاه‌های ویژه جنایی ادامه پیدا کرد و با تبدیل قانون بعثی زدایی با بازخواست و عدالت قوام یافت.

۳. یکی از نشانه‌های صحت چنین ادعایی، صعود شخصی مثل خالد عبیدی تا تصدی وزارت دفاع عراق است. وی از افسران بعثی نیروی هوایی در دوره صدام بود که توسط رژیم به مدت ۴ سال برای تحصیل به روسیه فرستاده شده بود. وی بلافاصله بعد از بازگشت به فرماندهی یکی از اسکادران‌های نیروی هوایی در جنگ عراق علیه ایران منصوب شد.

سطوح عضویت در حزب بعث (مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۳: ۱۳)

سطح عضویت	رتبه	وابسته	صلاحیت
سطح عالی (نمادین)	عضو رهبری قومی	رهبری قومی (کشورهای عربی)	نمادین
رهبری	شورای ملی رهبری	شورای رهبری (عراق)	سیاست‌گذاری / اجرای عملیات نظامی /
دفاتر منطقه‌ای و شغلی	عضو دفتر	دفتر	نظارت بر عملکرد رؤسای شعبه / اعزام نیرو / صدور دستور منع تردد، بازجویی، ویران کردن خانه‌ها
شعبه	عضو شعبه	شعبه	صدور دستور دستگیری / استفاده از سلاح علیه متهمان / مشورت برای تعیین سیاست‌های امنیتی
فرقه	عضو فرقه	فرقه	نظارت بر ادارات حکومتی / پیگیری گزارش‌ها / ارائه گواهی عدم سوء پیشینه
سازمان	عضو عامل	سازمان	دوره آموزشی و آزمایشی
دسته	کارآموز / نامزد عضویت / نصیر / متقدم / نصیر / اموید	دسته / حلقه	

بحران‌سازی و جنگ

بحران‌سازی به عنوان یکی از استراتژی‌های دوگانه سنی‌ها بعد از دسامبر ۲۰۱۲ روند کاملاً ملموسی داشته است. در واقع باید اجرای این استراتژی را وابسته به سطح موفقیت بعثی‌سازی دانست؛ زیرا بدون حضور بعثی‌های نفوذی، امکان ایجاد بحران در سطوحی که بعد از ۲۰۱۲ به وقوع پیوست، وجود نداشت. در این باره به خاطر داریم که روز ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴، ۲ نفر از محافظان رافع عیساوی، وزیر دارایی عراق، به اتهام حمایت از تروریسم دستگیر شدند و ۲۰ دسامبر نیز نیروهای ضد تروریسم به خانه رافع عیساوی در منطقه سبز بغداد حمله کردند و پنج نفر دیگر از محافظان وی را با همان اتهام دستگیر کردند (<http://www.understandingwar>). تقارن این رخداد با سالگرد دستگیری محافظان طارق هاشمی، معاون نوری مالکی در سال ۲۰۱۱ که تا آن زمان پنج بار غیابا به اعدام محکوم شده بود، جامعه سنی را به آشوب کشید و ادامه این



روند در نهایت صحنه عراق را وارد جنگ داخلی کرد. در واقع باید گفت رافع عیساوی نمونه بارز و تأثیرگذار از بعثی‌هایی بود که با استفاده از شکاف طبیعی در قانون اساسی و استثنائات وارده به قانون بعثی‌زدایی وارد ساختار حاکمیت شد و به کانالیزه کردن اجزای آنتروپی در زیرسیستم سنی برای ایجاد آشوب در سیستم دولت عراق پرداخت. عیساوی یک عضو شاخص از فهرست اَعرَاقیه محسوب می‌شد که طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ بیش از ۳۰ درصد ظرفیت خود را به اعضای عالی‌رتبه حزب بعث اختصاص داده بود.^۱ او در کنار احمد علوانی، دیگر بعثی عضو این حزب، بارزترین نقش را در سازماندهی آشوب استان‌های سنی‌نشین با مرکزیت استان اَنبار بر عهده داشتند (مرکز مطالعات عراق، ۲۰۰۳: ۱۴).

علاوه بر این، کشورهای میزبان بعثی و معارضین عراقی نیز نقش بسزایی در تحریک، تمویل و ایجاد انسجام بین گروه‌های مختلف از معارضین سنی و بعثی‌هایی داشتند که خواستار براندازی حکومت جدید عراق بوده‌اند. در این میان اردن به عنوان میزبان اصلی بعثی‌های صدامی و شخصیت‌های معارض سنی، بعد از اعتراضات ۲۰۱۲، میزبان دو همایش در این رابطه بوده و قطر نیز به همین ترتیب میزبانی همایش مشابهی را در سال ۲۰۱۵ برعهده داشته است. امارات متحده عربی و عربستان سعودی نیز طبعاً به واسطه حمایت کلامی از جریان سنی یا حمله به حکومت مرکزی و شیعیان، نقش مؤثری در تهییج آنان برای آشوب داشته‌اند. ضمن اینکه طبعاً همواره اخباری مبنی بر حمایت‌های مالی این کشورها از معارضین مسلح عراق در صدر اخبار رسانه‌ها بوده است.

اقلیم‌سازی

اقلیم‌سازی یکی دیگر از اجزای آنتروپی در زیرسیستم سنی محسوب می‌شود که هیچ‌گاه مکانیسم عملیاتی‌سازی آن فعال نشده است. اقلیم‌سازی برنامه‌ای موازی با اقدامات جریان سنی بود که برای ایجاد موازنه با دولت مالکی توسط اسامه نجیفی در سال ۲۰۱۱ مطرح شد. او در این راستا در مدت یک هفته ۱۲ بار به این گزینه اشاره کرد و پس از او صالح مطلق در ۲۸ ژوئن ۲۰۱۱ در تصریح این اشارات گفت: «شکست طرح مشارکتی در حکومت عراق ما را به سوی گزینه‌های سختی سوق خواهد داد.» (مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۰: ۹)

۱. اَعرَاقیه در سال ۲۰۱۰ طی سلسله گفت‌وگوهای متقابلی که با شاخه‌های خارجی حزب (سوریه و یمن) در شهر حمص تحت نظارت حکومت سوریه و هماهنگی آمریکا (به نمایندگی ایاد علاوی) برگزار می‌شد، توافق کرد در مقابل حمایت از این حزب در انتخابات، برای لغو موانع قانونی بازگشت حزب بعث به ساختار حاکمیت تلاش کند. صالح مطلق، طیارق هاشمی و اسامه نجیفی، مشهورترین اعضای این فهرست بودند (مرکز مطالعات عراق، پیش‌بینی وضعیت تشکلات سنی در عراق، بارزترین تحولات در رویکردهای نظری و عملی تشکلات سنی در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۱، پژوهش شماره ۲۵، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

اشاره نجیفی به اقلیم‌سازی در حالی که وی مثل سایر سنی‌ها یکی از مخالفان شدید طرح هر نوع اقلیم‌سازی در عراق بود، بیش از آنکه حکایت از یک طرح واقعی و عملیاتی نزد سنی‌ها داشته باشد، حکایت از استفاده ابزاری آنان برای کسب امتیاز بیشتر داشته است. مثلاً خود وی در بحبوحه طرح این دعوی روز ۳۰ ژوئن ۲۰۱۱، در تصریح آن گفته بود: «در حاشیه بودن سنی‌ها و تعامل با آنان به عنوان شهروندان درجه ۲، آنان را ناگزیر خواهد کرد که به جدایی بیندیشند یا دست‌کم به فکر تشکیل اقلیمی برای خود باشند.» (همان، ص ۱۰).

هر چند طرح اقلیم‌سازی به این دلیل که هیچ برداشت واحدی از آن بین سنی‌ها وجود نداشت، هیچ‌گاه فراتر از اظهارات کلامی نرفت،^۱ اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد سنی‌ها در حال دستیابی به اشتراک گفتمانی درباره تشکیل یک منطقه مستقل بعد از پاکسازی داعش از مناطق خود هستند. بنابراین تلاش سنی‌ها برای تشکیل چیزی شبیه اقلیم کردستان در دوره پسا داعش به طور جدی می‌تواند به عنوان یکی از آنتروپی‌های مطرح در زیرسیستم سنی مطرح شود.

این روند از ۲۰۱۵ مجدداً به صدر ادبیات سنی‌ها بازگشت. بر این اساس اسامه نجیفی روز ۲۲ فوریه گفته بود تشکیل یک منطقه سنی متشکل از استان‌هایی که در مرزهای اداری واقع شده‌اند، مسئله‌ای خیلی عادی و موضوعی قانونی است که روابط بین بغداد و استان‌ها را سازمان می‌بخشد و اختیارات را توزیع می‌کند (<http://www.middleeasteye.net/fr/news/iraqi-sunnis>).

«خالد مفرجی»، سخنگوی کمیته عالی همکاری نیز در همان مقطع گفته بود که عرب‌های سنی بدون تشکیل یک منطقه خودمختار که توسط خود آنها اداره شود، قادر به حل مشکلات خود با حکومت مرکزی نیستند. هم‌زمان با این اظهارات عدنان دلیمی، رئیس فراکسیون توافق در پارلمان نیز طرحی برای تشکیل یک منطقه سنی منتشر کرد که شامل ۵ استان نینوا، انبار، صلاح‌الدین، دیالی و بغداد بود. هم‌زمان سیاسیون سنی نیز استان انبار را بهترین استان به عنوان سنگ بنای تشکیل یک منطقه خودمختار سنی ارزیابی کردند و رافع عیسایوی نیز از جامعه عربی و بین‌المللی خواست از تشکیل یک منطقه خودمختار سنی در عراق حمایت کنند (Ibid).

بعد از اعلام این مواضع جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نیز پس از تکمیل فرایند پاکسازی استان صلاح‌الدین و شهر تکریت، به طور جدی دوباره اجرای فدرالیسم را مطرح کرد و روز نهم آوریل ۲۰۱۵، طی سخنرانی در دانشگاه دفاع ملی واشنگتن، به تشریح اجرای ترتیبات آن پرداخت و در این ارتباط گفت: «سنی‌ها به این درک رسیده‌اند که برای آنان بهتر است در

۱. اقلیم‌سازی صرفاً ادبیاتی نزد سنی‌ها بوده که در یک طیف از استقلال تا فدرال و کنفدرال و فدرال یک استان و چند استان در یک اقلیم به کار گرفته شده است. به همین ترتیب معیارهای تشکیل فدرالی نزد آنان متفاوت بوده که دربرگیرنده شاخص‌هایی نظیر جغرافیا، قومیت و تقسیمات اداری بوده است (همان، ص ۸۰).

چارچوب فدرالیسم زیر عنوان يك حکومت جدید متحد باشند تا اینکه در امان داعش باشند یا به یکی از دولت‌های سنی وابسته باشند... فشارهای زیادی هست اما حیدر عبادی به سلاح‌های خود متکی است. او يك حمایت حداکثری از ائتلاف شعیان را در کنار يك رأی حداکثری در اختیار دارد. يك اجماع میان این رهبران عراقی وجود دارد که عراق نیازمند يك بررسی گسترده درباره تأسیس فدرالیسم است. همه آنها روی این مسئله توافق دارند و به درك مشترکی درباره عملکرد حقیقی در چارچوب زمامداری به منظور دستیابی به يك پیشرفت بزرگ دست یافته‌اند که عبارت خواهد بود از بخت ایجاد يك دولت وحدت ملی بلندمدت... این تنها ابتدای کار است، اما بسیار بزرگ و بسیار امیدوارکننده است. مقدار زیادی از کار باقی مانده است. از جمله پیش بردن قانون گارد ملی، پیش بردن آشتی ملی که دربرگیرنده قانون بعضی‌زدایی است. ادامه بسیج نیروهای سنی، ادغام نیروهای پیشمرگه در چارچوب نیروهای امنیت ملی، آوردن نیروهای داوطلب (حشد شعبی) زیر کنترل حکومت، توانمندسازی حکومت‌های محلی و برنامه‌ریزی برای بازسازی مناطق آزادشده مطابق مفهوم فدرالیسم... امروز پرچم عراق به جای پرچم داعش در سراسر تکریت آویخته شده است. اما این موفقیت چالش‌های جدیدی ایجاد خواهد کرد که عبارت‌اند از: مایملک موجود در مناطق تصرف‌شده، سیاست‌گذاری برای این دارایی‌ها توسط نیروهایی که مورد اعتماد جامعه هستند و بازگرداندن مردم به خانه‌هایشان و واگذاری اختیارات دولتی به مقامات محلی. همچنین در سیستم فدرال آنها بازگرداندن خدمات عمومی ضروری پیش‌بینی شده است... ما آن چیزی را می‌خواهیم که عراقی‌ها می‌خواهند. يك عراق متحد فدرال دموکراتیک، که در قانون اساسی خود قدرت را میان همه جوامع عراق به اشتراك گذاشته است. در این ساختار يك دولت مرکزی دارای اقتدار عالی، حکمرانی می‌کند و بر نیروهای موجود در میدان کنترل دارد. این چیزی است که عراقی‌ها آن را به شکل موکدی می‌خواهند

به دنبال این روند حیدر عبادی نیز روز دوم آگوست ۲۰۱۵ تصمیم گرفت تا صلاحیت‌های ۸ وزارتخانه فدرال را طی ۳ ماه به حکومت‌های محلی منتقل کند. مبنای این تصمیم قانون شماره ۲۱ در سال ۲۰۰۸ بود که با عنوان استان‌های غیرسازمان‌یافته در اقلیم،^۱ قدرت کنترل و نظارت بر تمام وزارتخانه‌ها و مؤسسات غیر از ارتش، دادگاه‌ها و دانشگاه‌ها را به شوراهای استانی منتقل می‌کرد و در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳ تعدیل شده بود (المدی برس، ۲۰۱۳).

۱. این قانون بر اساس بند ۲ از ماده ۱۲۲ از فصل دوم قانون اساسی عراق تصویب شده که به استان‌های غیرسازمان‌یافته در قالب اقلیم اجازه می‌دهد برای تمرکززدایی اداری به تصویب قانون پردازند و بند پنجم آن تصریح کرده که شورای استان تحت کنترل هیچ وزارتخانه یا نهادی که با وزارتخانه‌ای ارتباط ندارد نیست و امور مالی آن مستقل است.

به نظر می‌رسد به موازات سنی‌ها و ایالات متحده آمریکا، دولت عراق نیز در حال فراهم کردن مقدمات ایجاد مناطق خودمختار در عراق است؛ در حالی که منشأ آنچه در حال تبدیل شدن به یکی از اجزای آنتروپی در زیرسیستم سنی برای سیستم دولت عراق است، در قانون اساسی این کشور و قوانین مصوب در پارلمان این کشور نهفته است.^۱

البته کنش اقلیم کردستان نیز که اتفاقاً ریشه آن هم در قانون اساسی عراق نهفته است، مقوم و هدایت‌کننده سنی‌ها برای تأکید بر جدایی و اقلیم‌سازی محسوب می‌شود. در واقع حزب دموکرات کردستان و شخص مسعود بارزانی به موازات اشارات سنی‌ها برای تشکیل یک منطقه جدا، مشغول فعالیت برای عملیاتی‌سازی استقلال کردستان بوده‌اند که البته در این بخش نیز ایالات متحده آمریکا نقش مؤثری ایفا کرده است. مثلاً روز چهارشنبه ۱۳ جولای ۲۰۱۶/۲۳ تیر ۱۳۹۵، نماینده ایالات متحده آمریکا در حضور مسعود بارزانی به امضای پروتکلی با نماینده اقلیم کردستان پرداخت که به موجب آن در چارچوب مبارزه با داعش، بسته‌های حمایتی به ارزش ۴۱۵ میلیون دلار به نیروهای پیشمرگه اعطا می‌شد (<http://www.ncciraq.org>). البته پیش از این اشتون کارتر، وزیر دفاع آمریکا، روز ۴ می ۲۰۱۶ در تشریح ترتیبات استراتژی ایالات متحده در مبارزه با داعش وعده اعطای این کمک مستقیم را داده بود؛ (<http://www.defense.gov>) اما پروتکل امضاشده بین اقلیم کردستان و ایالات متحده آمریکا عملیاتی‌سازی طرح جنجال‌برانگیز سناتور تورنبری محسوب می‌شد که طی جلسه ۱۰ صبح چهارشنبه نهم آردیبهشت ۱۳۹۴/۲۹ آوریل ۲۰۱۵ در کمیته خدمات نظامی گنگره آمریکا، با هدف تخصیص بودجه مستقیم به اقلیم کردستان و بدون عبور از معبر حکومت مرکزی مطرح شده بود. این طرح برای مبارزه با داعش در عراق قیودی را در بحث تخصیص بودجه به دولت عراق در سال ۲۰۱۶ درج کرده بود که در چارچوب «گزاره برگ اختیار عمل در دفاع ملی»^۲ منتشر شد. این قیود که تا مدت‌ها از آن به عنوان مصوبه

۱. ماده یک قانون اساسی عراق، این کشور را یک جمهوری دموکراتیک فدرال خوانده و در بخش‌های عمده دیگری از قانون اساسی این کشور نیز بر این موضوع تأکید شده است. از جمله بخش سوم قانون اساسی که مهم‌ترین بخش و شامل فصول مرتبط با وظایف و جایگاه قوای مقننه، مجریه و قضائیه است با عنوان بخش «قوای حکومت فدرال» ثبت شده است و شامل مواد ۴۶ تا ۹۹ قانون اساسی می‌شود که در جای جای آن بر فدرالیسم تأکید کرده است. مواد ۱۰۷ تا ۱۱۲ از بخش چهارم قانون اساسی هم به «وظایف و اختیارات مقامات فدرال» اختصاص پیدا کرده است. بخش پنجم قانون اساسی نیز که شامل مواد ۱۱۳ تا ۱۲۲ است به «مقامات مناطق» مختلف پرداخته است. در همین بخش، ماده ۱۱۴ می‌گوید در صورتی که این قانون اساسی به اجرا گذاشته شود، بر اساس آن، منطقه کردستان و مقامات فعلی آن به عنوان منطقه‌ای فدرال به رسمیت شناخته می‌شوند. همچنین ماده ۱۱۶ تأکید می‌کند که هر استان یا بیشتر با درخواست برگزاری همه‌پرسی با یکی از دو شیوه حق تشکیل یک منطقه را دارند که ترتیبات آن شامل درخواست یک‌سوم اعضای یکی از شوراهای استانی یا درخواست یک‌دهم از نمایندگان هر استان خواستار تبدیل به منطقه است.



کنگره آمریکا برای تقسیم عراق به سه کشور یاد می‌شد، در واقع نمادی از تلاش ایالات متحده آمریکا برای برقراری موازنه به نفع نیروهای پیشمرگه کرد و سنی و به ضرر حشد شعبی بود. این طرح به دفتر همکاری‌های امنیتی در عراق برای اعطای ۷۱۵ میلیون دلار کمک به نیروهای عراقی برای مبارزه با داعش اختیار می‌داد، اما تورنبری شرطی تعیین کرده بود که براساس آن باید ۲۵ درصد از این مقدار به طور مستقیم به نیروهای پیشمرگه و سنی اختصاص می‌یافت. ۷۵ درصد باقی مانده تا زمانی که وزرای کشور و دفاع تعیین کنند که دولت عراق برای فرایند آشتی سیاسی یک نشست قطعی برگزار خواهد کرد، گرو نگاه داشته می‌شد و در صورت عدم توانایی برای دستیابی به این منظور، ۶۰ درصد از آن به طور مستقیم به نیروهای پیشمرگه و سنی تعلق می‌گرفت (<http://armedservices.house.gov/index.cfm/ndaa-home?p=ndaa>). هر چند بعد از پروپاگاندای رسانه‌ای به راه افتاده بر سر این پروپوزال اعلام شد که کمیته خدمات نظامی آن را اصلاح کرد اما در واقع این اصلاح شامل یک توضیح کوتاه از سوی تورنبری بود که ضمن محترم شمردن تمام شروط قبلی اذعان داشته بود هدف از این مصوبه، دخالت در امور داخلی عراق یا خدشه به استقلال این کشور نیست. بنابراین پروپوزال یادشده عیناً با همان شروط برای سال ۲۰۱۶ در کنگره آمریکا تبدیل به قانون شد (<http://armedservices.house.gov/index.cfm?a>).

در حالی آمریکا به صراحت روند تغییر موازنه به نفع نیروهای سنی و پیشمرگه را در دستورکار قرار داده بود که مؤسسه خاور نزدیک واشنگتن از آن با عنوان «ضد حزب‌الله‌سازی»^۱ در عراق توسط نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یاد کرد که البته منظور از آن استفاده از ظرفیت حشد شعبی بود. در همین راستا ایالات متحده آمریکا غیر از تخصیص بودجه مستقیم به نیروهای پیشمرگه و کرد در کنار پیگیری جدی تشکیل نیروهای ذاتی در استان‌های عراق، راهکار قدیمی تجهیز و آموزش ارتش عراق را نیز پیش گرفت. بر این اساس آمریکا در سال ۲۰۱۵، ۱۵۰۰ نیروی آموزش‌دهنده و رقمی معادل ۱/۶۱ میلیارد دلار بودجه برای آموزش و تجهیز ۹ تیپ از نیروهای ارتش عراق ۳ تیپ پیشمرگه به منظور شرکت در عملیات آزادی موصل اختصاص داد که اعتبار آن تا سپتامبر ۲۰۱۷ برقرار است. از این مقدار ۱/۲۳ میلیارد دلار به آموزش ۹ تیپ ارتش اختصاص دارد که استعداد آن معادل ۴۵۰۰۰ نفر برآورد شده است. همچنین معادل ۳۵۳/۸ میلیون دلار از این بودجه صرف آموزش و تجهیز ۳ تیپ پیشمرگه شده که استعداد آنان معادل ۱۵۰۰۰ نفر برآورد می‌شد. با این وصف روز ۲۷ تیر ۱۳۹۵/۱۷ جولای ۲۰۱۶، پایگاه اطلاع‌رسانی حزب دموکرات کردستان بارزانی را ارمغان‌آور فدرالیسم برای کردهای عراق و فراهم‌کننده زمینه تشکیل کشور

کردستان در مرحله کنونی قلمداد کرد و «بیان سامی عبدالرحمن»، نماینده دولت اقلیم کردستان در آمریکا، نیز طی گفت‌وگویی با همین پایگاه خبری، ضمن اشاره به امضای پروتکل همکاری‌های نظامی میان اقلیم کردستان و آمریکا و تأکید بر اهمیت آن به مسئله همه‌پرسی و استقلال اقلیم کردستان، ورود پیدا کرد و گفت: «به عنوان نمایندگی دولت اقلیم به مقامات آمریکایی به صراحت اعلام کرده‌ایم که هدف ما رسیدن به استقلال است و این مقامات نیز خواسته‌های ما را درک می‌کنند. آمریکا به دو دلیل به اقلیم کردستان توجه نشان می‌دهد: یکی، موفقیت نیروهای پیشمرگ در جنگ با داعش؛ دوم، استقبال دولت و مردم اقلیم از شمار بسیار آوارگان جنگ داعش».

آتروپی‌های مثبت در زیرسیستم سنی

همه آتروپی‌های برآمده از زیرسیستم سنی غیر از اقلیم‌سازی، بعد از دسامبر ۲۰۱۲، به شکل بالفعل، سیستم دولت عراق را تا آستانه انومی پیش برده‌اند؛ بنابراین، هر چند اقلیم‌سازی تاکنون به عنوان یکی از آتروپی‌های بالقوه برآمده از زیرسیستم سنی، سیستم دولت عراق را مورد تهدید قرار داده است، اما این امکان وجود دارد که در دوران پسا داعش، با تغییر شکل به یک آتروپی بالفعل، اساساً ساختار عراق را مورد تهدید قرار دهد؛ در حالی که ماهیت قانون اساسی عراق و قوانین تصویبی برآمده از آن منشأ اصلی این آتروپی مثبت محسوب می‌شوند و عملاً این ابزار برخوردار از محمل مشروع را به عنوان اهرم فشار در اختیار جریان سیاسی سنی قرار می‌دهند. فارغ از محمل قانونی موجود برای اقلیم‌سازی در عراق، آنچه بیش از هر چیز این آتروپی بالقوه را به سمت تبدیل شدن به یک آتروپی بالفعل سوق می‌دهد، انسجام در زیرسیستم سنی حول این موضوع است. بنابراین به نظر می‌رسد چنین روندی به واسطه فعالیت آتروپی‌های مثبت در زیر سیستم سنی مهار خواهد شد.

اضمحلال بدنه اجتماعی در زیرسیستم سنی

این یک واقعیت است که جریان سیاسی سنی با آغاز اعتراضات بعد از دسامبر ۲۰۱۲، با اتکا به بستر اجتماعی در استان‌های سنی و بسیج منابع در این مناطق تلاش داشت تا مطالبات خود را به حکومت مرکزی عراق دیکته کند، اما به مرور زمان و با ناتوانی آنان از اعاده مطالبات از جریان مسلح سنی و دولت اسلامی عراق، شرکت‌کنندگان در تظاهرات استان‌های سنی به این نتیجه رسیدند که عزت و کرامت با زور و به دست گرفتن سلاح باز می‌گردد نه مذاکره و مصالحه. بنابراین پیوند جریان مسلح سنی و دولت اسلامی عراق، بحران را وارد مرحله جنگ داخلی کرد که اولین معضل برآمده از آن، خارج شدن بدنه اجتماعی از کنترل جریان سیاسی سنی بود. این وضعیت به خصوص بعد از سقوط استان‌های سنی در ژوئن ۲۰۱۴ و آوارگی ۲/۳ میلیون نفر نمود پیدا کرد؛

(<http://documents.worldbank.org/curated/en>) در حالی که ۵۳۴ هزار خانواده دیگر نیز طی سال ۲۰۱۵ به این جمعیت اضافه شدند و جمعیت آواره‌ها به ۴ میلیون نفر افزایش یافت. بر اساس آمار موجود، ۴۲ درصد آواره‌ها از استان انبار، ۳۲ درصد از استان نینوا، ۱۳ درصد از استان صلاح‌الدین بوده‌اند و ۱۳ درصد باقی‌مانده نیز از استان دیالی، کرکوک و شمال بغداد بوده‌اند (<http://www.alsumaria.tv/infograph/18>). با این وصف در حالی که تا ژانویه ۲۰۱۶ جمعیت عراق ۳۷۰۳۲۰۵۶ نفر تخمین زده شده بود، با احتساب میزان ۱۷ درصدی اعراب سنی از این جامعه آماری می‌توان برآورد کرد که جمعیت قابل تخمین آنان در سال ۲۰۱۶، معادل ۶/۲۹۵/۴۴۹ نفر بوده که عملاً ۶۳/۵۳ درصد آنان از محل زندگی خود آواره شده‌اند. بنابراین باید گفت با تسلط داعش بر استان‌های سنی، جریان سیاسی عملاً مراکز ثقل فیزیکی خود را از دست داده است. از سوی دیگر شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد جمعیت باقی‌مانده در مناطق تحت کنترل داعش نیز طی مدت حضور این سازمان، دچار تغییراتی شده‌اند که آینده استان‌های سنی عراق در دوران پسا داعش را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است.

برای مثال مؤسسه مستقل مطالعات حکومت و جامعه مدنی طی سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ اقدام به انجام یک نظرسنجی از مردم موصل و انبار کرده بود که نتیجه آن را مؤسسه واشنگتن در خاور نزدیک ۱ منتشر کرد. این نظرسنجی زیر نظر «منقذ داغر» با عنوان «مبارزه با داعش: ما در نبرد نبرد با قلب‌ها و ذهن‌ها شکست خورده‌ایم» ۲ انجام شده بود و روش آن در ابتدا مبتنی بر گفت‌وگوی تصادفی با ۲۰۰ نفر از مردم موصل در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۴ بود و سپس با ۲۰۰ گفت‌وگوی چهره به چهره با مردم موصل که در ژوئن ۲۰۱۵ بر اساس نمونه‌گیری «گلوله برفی» ۳ انتخاب شده

۱. The Washington Institute for Near East Policy

۲. Combating Daesh: We Are Losing the Battle for Hearts and Minds

۳. نمونه‌گیری گلوله برفی یک روش نمونه‌گیری غیراحتمالی برای مواقعی است که واحدهای مورد مطالعه به راحتی قابل شناسایی نباشند؛ به ویژه هنگامی که این واحدها بسیار کمیاب هستند یا بخش کوچکی از یک جامعه خیلی بزرگ را تشکیل می‌دهند. در این روش آمارگیری پس از شناسایی یا انتخاب اولین واحد نمونه‌گیری از آن برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری استفاده می‌کنند یا کمک می‌گیرند. به همین ترتیب واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب می‌شوند. این نمونه‌گیری می‌تواند به دو صورت خطی و غیرخطی (نمایی) اجرا شود. هنگامی از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده می‌شود که چارچوبی برای نمونه‌گیری وجود ندارد. همچنین این شیوه نمونه‌گیری برای پژوهش درباره گروه‌هایی از جامعه کاربرد دارد که به فعالیت‌هایی اشتغال دارند که بر حسب شرایط جامعه غیرقانونی هستند؛ بنابراین به دلیل شرایط خاص اجتماعی، امکان دسترسی مستقیم به آنها وجود ندارد. بر اساس این شیوه نمونه‌گیری، پژوهشگر از طریق ایجاد ارتباطات شخصی با کسانی که علاقه‌مند به انجام مصاحبه یا پر کردن پرسشنامه هستند، از آنها درخواست می‌کند اگر اشخاص دیگری را می‌شناسند که دارای ویژگی‌های مدنظر پژوهش و مایل به انجام مصاحبه هستند، معرفی کنند. انتخاب جمعیت نمونه از این طریق و به صورت زنجیروار ادامه می‌یابد تا زمانی که دیگر نمونه‌ای پیدا نشود. نکته دیگر اینکه در این شیوه نمونه‌گیری، در

بودند، ادامه یافت و با مصاحبه با ۱۲۰ نفر دیگر از مردم موصل به روش «گلوله برفی سهمیه‌ای»^۱ در دسامبر ۲۰۱۵، پایان یافت. نتیجه این نظرسنجی نشان می‌دهد که بعد از آوارگی ۴/۵ میلیون عراقی، مردمی که در محدوده تحت کنترل داعش زندگی می‌کنند، یا برای خروج از موصل بیش از حد فقیر، پیر یا ناتوان بوده‌اند یا آنکه اساساً به ایدئولوژی داعش گرایش داشته‌اند. البته این نظرسنجی، نکات قابل تأمل دیگری را نیز در بطن خود دارد که بر اساس آن می‌توان نمایه‌ای از جامعه سنی بعد از داعش به دست آورد.

برای مثال در ژوئن ۲۰۱۵، ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که سطح زندگی آنان نسبت به قبل از تسلط داعش بر موصل بدتر شده است، اما در ماه دسامبر ۲۰۱۵، تنها ۴۲ درصد از مردم چنین باوری داشتند (<http://image.slidesharecdn.com>).

فقدان یکپارچگی در نخبگان مذهبی و سیاسی سنی

علاوه بر اضمحلال بدنه اجتماعی سنی که به عنوان مانعی اساسی برای اجرای ترتیبات مکانیسم اقلیم‌سازی مطرح است، فقدان یکپارچگی در تصمیم‌ها، روش‌ها و مکانیسم‌های اجرایی در جریان سنی نیز مانع بزرگ دیگری در شکل‌گیری انسجام جامعه سنی عراق محسوب می‌شود. شاید بازگشت به شرایط قبل از ۲۰۰۳ موجب بسیج جریان سیاسی و نظامی سنی علیه حکومت مرکزی شده باشد، اما فقدان وحدت رویه در مکانیسم‌های اجرایی، عملاً به یک آنتروپی در زیرسیستم سنی تبدیل شده است.

انتخاب اعضای جمعیت نمونه، پژوهشگر می‌تواند به صورت ترجیحی به انتخاب نمونه‌هایی بپردازد که از نظر متغیرهای زمینه‌ای و نیز طبقه اجتماعی متعلق به حوزه‌های اجتماعی متفاوت باشند. برای مثال برای دستیابی به افرادی که به یک بیماری بسیار نادر مبتلا هستند می‌توان از این روش استفاده کرد. از مزایای استفاده از این روش ارزیابی، سادگی و نیاز نداشتن به برنامه‌ریزی و کار فیزیکی گسترده در مقایسه با سایر روش‌های نمونه‌گیری است. همچنین واحدهای اولیه نمونه‌گیری ممکن است واحدهای معروف‌تر یا مشابه خود را معرفی کنند. در تحقیقات جامعه‌شناسی و آمار، نمونه‌گیری گلوله برفی به تکنیکی اطلاق می‌شود که در آن افراد موجود در مطالعه افراد بعدی را معرفی می‌کنند. بنابراین گروه نمونه به نظر شبیه به یک گلوله برفی غلطان رشد می‌کند. همچنان که نمونه ساخته می‌شود، اطلاعات کافی برای استفاده در تحقیق جمع‌آوری می‌گردد. این تکنیک نمونه‌گیری اغلب در جمعیت‌های مخفی که دسترسی به آنها برای محقق مشکل است، به کار می‌رود.

۱. در این روش جامعه آماری به چند طبقه تقسیم می‌شود و سپس به اختیار سهمی به هر طبقه اختصاص می‌یابد و در ادامه نمونه‌هایی را که دسترسی به آنها ساده‌تر است، به دلخواه انتخاب می‌کنند. البته ممکن است جامعه مورد مطالعه طبقه‌بندی نشود. در این حالت نیز آنقدر نمونه اختیار می‌شود تا حجم نمونه مد نظر حاصل شود. در نمونه‌گیری سهمیه‌ای غالباً آن دسته از ویژگی‌هایی که در تحقیقات پیشین هم تشخیص داده شده‌اند مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ به همین دلیل نمونه‌گیری سهمیه‌ای تا حد زیادی به تحقیقات پیشین و یافته‌های به دست آمده در میدان تحقیق وابسته است. مشکل دیگر این روش بی‌توجهی به برخی ویژگی‌های جمعیت مد نظر است. اما در مجموع با توجه به مشابهت ساختار نمونه و جمعیت در نمونه‌گیری سهمیه‌ای، احتمال معرف بودن برآوردهای حاصل از آن بیش از برآوردهایی است که از نمونه‌گیری اتفاقی یا قضاوتی به دست می‌آید.

برای مثال چنین واگرایی‌هایی به خوبی از کنش شخصیت‌های سنی در اوج کشاکش‌های سال ۲۰۱۲ قابل احصا بود. در آن مقطع شخصیت‌های داخل روند سیاسی به وضوح به دو دسته مخالفان سخت و کسانی که از طریق مذاکره و مصالحه، مطالبات جریان سنی را پیگیری می‌کردند، تقسیم شدند. به خاطر داریم با خارج شدن کنترل شهرهای فلوجه و رمادی در انبار، دولت مالکی تلاش خود را برای دستگیری عیساوی که متهم به فساد بود، افزایش داد. در این میان در حالی که منابع دولتی خبر از فرار عیساوی به اردن می‌دادند، وی روز ۱۲ مارس در پیامی صوتی اعلام کرد: «پیشاپیش معترضان در میدان رمادی ایستاده‌ام و تنها زمانی که مرده باشم، الانبار را ترك خواهم کرد.» (<http://www.algharbiyanews.com>)

عیساوی با این پیام عملاً دو راه پیش پای نخبگان سیاسی سنی گذاشت که یا به معترضان بپیوندند یا آنکه در کنار مالکی جایی برای خود در هرم قدرت دست و پا کنند. بنابراین انتخابات استانی یک گزینه مشروع بود تا سیاسیون سنی با استفاده از پایگاه اهل تسنن به گروه‌های قدرت نظیر وزارتخانه‌ها و پست‌های استانی دسترسی داشته باشند و به واسطه آن شبکه حمایتی خود را حفظ کنند که البته نتیجه آن تسری شکاف میان نخبگان سنی بود. بنابراین رهبران ائتلاف «متحدون» به ریاست اسامه نجیفی و برادرانش در کنار عیساوی، احمد ابوریشه، و اعضای حزب اسلامی عراق نظیر احمد علوانی و عزالدین الدوله، به طور منظم در اعتراضات روزانه استان‌های انبار و صلاح‌الدین شرکت می‌کردند. عیساوی روز ۸ مارس ۲۰۱۳ در اعتراض به دولت مالکی و کشته شدن معترضان در موصل از مقام خود استعفا کرد و به دنبال او عبدالکریم سامرابی، وزیر علم و فناوری نیز استعفای خود را در جمع معترضان سامرا اعلام کرد و در نهایت ۵ وزیر دیگر کابینه که به فهرست عراقیه تعلق داشتند، از کابینه مالکی کناره گرفتند. شکاف بین نخبگان سیاسی سنی در حالی معنی یافت که به موازات موج اعتراض و استعفای گروه اول، ائتلاف مطلک-کربولی در فهرست عراقیه العربیه به همکاری با نوری مالکی از طرق مختلف ادامه داد. این گروه تلاش داشت تا نقش میانجی بین مالکی و معترضان را بازی کند که از طریق همکاری با حسین شهرستانی، معاون نخست‌وزیر و متحد کلیدی مالکی انجام می‌شد که یکی از افراد کمیته ۵ نفره رسیدگی به مطالبات معترضان بود. اما مطلک روز ۳۰ دسامبر ۲۰۱۳ در رمادی به دلیل مشارکت در دولت با کفش و سنگ و بطری آب معترضان مواجه شد (Samantha Stainburn, ۲۰۱۲).

در ادامه این روند محمد تمیم، وزیر آموزش از فهرست «الحوار المطلک»، و احمد کربولی، وزیر صنعت از فهرست «الحل»، همراه مطلک به جلسات هیئت دولت بازگشتند و بدین ترتیب با قرار گرفتن در طیف نخبگان سازشکار سنی از سوی فهرست عراقیه در بیانیه‌ای رسمی محکوم شدند. این رویه در نهایت به درگیری لفظی بین مطلک و جناح مقابل انجامید که آنان را به تجزیه

عراق در راستای تشکیل يك اقلیم در غرب متهم می‌کرد و در مقابل طیف موسوم به «المجاهدون النجیفی» نیز مطلبگ را به «معامله وجدان» با نوری المالکی متهم می‌کردند. در آن مقطع، شکاف به میان علمای سنی نیز کشیده شد. سعید لافی، از روحانیون فعال سنی در میدان‌های اعتراض در مارس ۲۰۱۳، عبدالملک سعدی، دیگر همتای خود و یارانش را به تشکیل گروهی برای مذاکره با دولت مالکی متهم کرده بود. در نتیجه چنین شکافی، کمیته جنبش مردمی در شش استان نیز با صدور بیانیه‌ای به صراحت جناح عبدالملک سعدی و صالح مطلبگ را که برای سازش با مالکی تلاش می‌کردند، محکوم کرد (Kirk H. Sowell, ۲۰۱۴). چنین تقابلی بعد از آن صورت گرفت که عبدالرزاق شمّری، رئیس کمیته سیاسی معترضان استان انبار، روز ۲۴ مارس ۲۰۱۳ اعلام کرده بود که معترضان ضد دولتی یک هیئت برای مذاکره با دولت مالکی تشکیل خواهند داد که متشکل از ۲ تا ۵ نماینده از هر استان است و بر سر يك فهرست از ۱۴ مطالبه معترضان^۱ با دولت مذاکره خواهند کرد. اعضای این هیئت ۲۶ نفر بودند که همگی به رهبری احمد، پسر عبدالملک سعدی، قرار داشتند. با این وصف «انصار الجماعه» روز ۲۶ مارس طرفداران مذاکره را به «فروش جنبش اعتراضی» متهم و با جدایی از معترضان رمادی به فلوجه نقل مکان کرد. روز ۲۷ مارس، نمایندگان اعتراض در رمادی به ملاقات احمد علوانی رفتند تا اعضای گروه مذاکره‌کننده خود را برگزینند.

الگوی تعارض در جریان سیاسی- مذهبی سنی طی سال ۲۰۱۳ از این منظر مهم است که احتمال داشت شخصیت‌های نخبه در آن مقطع حساس قادر باشند ضمن حفظ یکپارچگی در مواضع، با اتکا به بستر اجتماعی اعتراضات، مطالبات خود را به حکومت مرکزی دیکته کنند. اما ترکیبی از منفعت‌طلبی‌های شخصی و شکاف در مکانیسم‌های اجرا، عملاً آنان را از دستیابی به اهداف خود باز داشت. طبعاً چنین شکافی در دوره پسا داعش و پیگیری اهدافی نظیر اقلیم‌سازی در عراق نیز بر جامعه نخبگان سنی حکم‌فرما خواهد بود.

در واقع ارائه طرح منطقه سنی از سوی جناح نجیفی - عیساوی در سال ۲۰۱۵ نیز از همین منظر قابل تفسیر است. به عبارت بهتر می‌توان گفت تمرکز بر چنین شکافی در جریان سیاسی سنی می‌تواند عملاً به عنوان یک آنتروپی در زیرسیستم سنی، از اجماع بر سر طرح اقلیم‌سازی باز دارد. نمونه چنین جریان‌هایی از لابه‌لای فهرست‌های انتخابات ۲۰۱۴ پارلمان عراق قابل احصاست که می‌توان به واسطه بسیج آنان در دوران پسا داعش به تقویت آنتروپی در جریان سیاسی سنی پرداخت. توجه به گرایش‌های تشکلی‌های سنی صرفاً به معنی تمرکز بر امکان همکاری آنان با

۱. عبدالرزاق شمّری یکی از مطالبات را تعیین تکلیف برای کسانی که روز ۲۵ ژانویه به روی معترضان تیراندازی کرده بودند اعلام کرد و ۱۳ مطالبه باقی‌مانده عبارت بود از مندرجات فهرست تنظیم‌شده در روز ششم ژانویه ۲۰۱۳ که تا آن مقطع در قبال آن سکوت اختیار شده بود.

حکومت مرکزی نیست، بلکه اتفاقاً عقاید تمامیت خواهانه و قومی این جریان‌ها می‌تواند یک شاخص مهم برای ایجاد و تقویت آنتروپی در زیرسیستم سنی در مقابل اجرای فدرالیسم مطرح باشد. بنابراین از این منظر حتی دیدگاه‌های رادیکال حزب بعث نیز در ایجاد آنتروپی علیه انسجام سنی‌ها برای تشکیل یک فدرال جدا مؤثر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

عملکرد سینوسی و ترکیبی نخبگان سیاسی و به تبع آن جامعه عوام سنی ذیل یک هدف کلان در بازگرداندن شرایط سیاسی کشور به قبل از ۲۰۰۳ قابل تحلیل است. بر همین اساس، سیستم دولت عراق بعد از سال ۲۰۰۳ همواره به واسطه تولید آنتروپی مثبت از سوی زیرسیستم سنی با رفتار آشوبناکی روبه‌رو بوده که این روند از دسامبر ۲۰۱۲ با شدت بیشتری ادامه یافت و سیستم را به سمت آنومی یا بی‌هنجاری محض سوق داد. این آنتروپی از اجزایی تشکیل شده است که رکن اصلی آن را جریان بعث، اعم از قوای مسلح، نفوذی‌ها و بازماندگان اجتماعی حزب بعث تشکیل می‌دهند که در تمام سطوح جامعه سنی حضور دارند. آنتروپی مثبت تولید شده از سوی این جریان پیچیده از طریق اجزای مختلفی نظیر بحران‌سازی، جنگ مسلحانه و اقلیم‌سازی، سیستم دولت عراق را به سمت بی‌نظمی و آشوب هدایت کرده است.

بعثی‌سازی به عنوان رکن سازنده آنتروپی در دولت عراق دارای ترتیباتی در درون همین سیستم است که محمل آن را باید در موارد زیر یافت:

- بند ۵ از ماده ۱۳۵ قانون اساسی عراق

- فرمان شماره ۱۰۰ برای انحلال «کمیسیون عالی میهنی بعثی‌زدایی»

- استثنائات کمیسیون ملی عالی بازخواست و عدالت برای بازگشت اعضای فرقه به مشاغل دولتی

- استثنائات برآمده از دستورهای نخست‌وزیری در دوره مالکی

بر اساس روند فوق، یک دیدگاه بر این باور است که بازگشت بعثی‌ها به حکومت عملاً مدت‌هاست آغاز شده است و با ادامه عقب‌نشینی هیئت بازخواست و عدالت، شکل نهادینه به خود خواهد گرفت. هرچند به دلیل مقاومت جریان شیعه و منع متن قانون اساسی، بازگشت رسمی رخ نخواهد داد، اما تفوق جریان خزنده بعث در همه سطوح، دولت را مجبور خواهد کرد از فشارها بکاهد و به سمت استحاله پیش برود. در عراق بعد از داعش، مطلوب جریان سنی و بازیگران خارجی و داخلی هم‌افزا با آن، محدود کردن قدرت و نفوذ ایران از طریق تضعیف دولت شیعه و تقویت قدرت سنی در سیاست و جغرافیا، به واسطه تبدیل عراق به کشور متکثر و تقسیم سطح جغرافیایی قدرت شیعه است و این روند در صورت تداوم تا تبدیل عراق به یک چالش برای

ایران ادامه می‌یابد. بنابراین اعاده جغرافیا، مطالبه اصلی جریان سنی و قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای همسو با آن در دوران پسا داعش را شکل خواهد داد.

اقلیم‌سازی، بخشی از استراتژی جریان سنی برای تغییر رژیم سیاسی و احیای دولت سنی محسوب می‌شود که پیش از آغاز بحران در سال ۲۰۱۲، تنها به عنوان بخشی از ادبیات ترویجی این جریان کاربرد داشت؛ در حالی که به نظر می‌رسد این متغیر به عنوان مهم‌ترین جزء آنتروپی مثبت زیرسیستم سنی در دوران پسا داعش، مکانیسم آشوب در سیستم دولت عراق را مجدداً فعال سازد. البته چنین مکانیسمی کاملاً بر بستر قانون اساسی عراق و مصوبات تکمیلی پارلمان اجرا فعال می‌شود و مجموعه‌ای از اقدامات نظیر گفتمان‌سازی داخلی و خارجی و اقدامات موازنه‌ساز ایالات متحده آمریکا با آن هم‌افزایی می‌کنند:

- هژمونی گفتمانی در جریان سیاسی سنی برای تشکیل یک اقلیم مستقل به عنوان تنها راه‌حل پایان منازعات استان‌های سنی با دولت مرکزی؛

- تلاش برای اجرای ترتیبات قانون فدرالیسم توسط ایالات متحده آمریکا در قالب اقداماتی نظیر تربیت، تجهیز و تمویل نیروی دفاعی ذاتی برای استان‌ها از مبدأ مبارزه با داعش و ادامه آن از طریق تلاش برای افزایش اختیارات شوراهای استانی؛

- روند اجرای ماده ۱۲۲ از فصل دوم قانون اساسی توسط دولت که استان‌های غیرسازمان‌یافته در قالب اقلیم را به سمت تمرکززدایی اداری- اجرایی سوق می‌دهد.

- تکمیل قوانین متصل به ماده ۱۲۲ قانون اساسی در پارلمان عراق، نظیر قانون شماره ۲۱. اگر اقلیم‌سازی را به عنوان بخش اصلی آنتروپی مثبت تولیدشده توسط زیرسیستم سنی بپذیریم که در راستای دستیابی به اهداف کلان این زیرسیستم، سیستم دولت عراق را به سمت آنومی یا بی‌هنجاری محض هدایت می‌کند، یکی از راهکارهای مهار آن تمرکز بر آنتروپی‌های مثبتی است که به طور طبیعی در زیرسیستم سنی فعال هستند. در عین حال می‌توان با کنترل و هدایت این آنتروپی‌ها و هدایت این زیرسیستم به سمت زوال از انسجام و توانمندی آن برای ایجاد زوال در سیستم دولت عراق جلوگیری کرد:

۱. فروپاشی بدنه اجتماعی

۲. بی‌اعتمادی بدنه اجتماعی به جریان سیاسی

۳. تداوم بقای عقیدتی و کارکردی داعش

۴. فقدان انسجام در جریان‌های سیاسی- مذهبی

۵. اضمحلال شبکه نظامی سنی

با عطف به روندهای استخراج‌شده از این گزارش می‌توان گفت زیرسیستم سنی در دوره پس از

داعش تلاش خواهد کرد با استقرار دوباره بر اراضی خود، با استفاده از بستر قانون و جریان بعثی داخل ساختار حاکمیت، دست کم اجرای ترتیبات لازم برای عملیاتی سازی قانون فدرالیسم را در دستور کار قرار دهد و در یک حالت آرمانی به سمت اجماع سازی برای تشکیل یک اقلیم سنی حرکت کند. طبعاً چنین رویکردی با پذیرش این واقعیت صورت خواهد گرفت که جریان سنی با اجرای استراتژی های سنتی پیشین که مبتنی بر بحران سازی و جنگ بوده است قادر به بازگرداندن شرایط سنی ها به شرایط قبل از ۲۰۰۳ نخواهد بود. از طرف دیگر این جریان از یک سو به دلیل تسلط فرهنگ نفوق طلبانه و از سوی دیگر به دلیل اعمال فشارهای اجتماعی و کنشگران خارجی، حاضر به پذیرش سهم واقعی خود از قدرت نیست. بنابراین قابل پیش بینی است که آنتروپی مثبت برآمده از زیرسیستم سنی در دوره پسا داعش بر مدار جدایی طلبی خواهد چرخید. از سوی دیگر به نظر می رسد گام های اصلاح طلبانه دولت در راستای اجرای قوانین معطوف به گریز از مرکز استان ها، نه تنها سنی ها را قانع نخواهد ساخت بلکه این جریان را بیش از پیش برای پیگیری مطالبه اقلیم سازی مصمم خواهد کرد؛ در حالی که کارکرد الگوی اقلیم کردستان نیز مقوم چنین رویکردی خواهد بود.



منابع و مأخذ

- آزاد، امیرحامد، ۱۳۹۳، تاثیر حوادث الانبار بر آینده سیاسی امنیتی عراق، پژوهش شماره ۷۸، کارگروه عراق، مرکز مطالعات نیرو.
- آزاد، امیرحامد آزاد، بررسی نقش عراق در جنگ سوریه، ۱۳۹۴، پژوهش پشتیبان ۱۳۳، کارگروه عراق، مرکز مطالعات نیرو.
- حزب بعث عراق، بارزترین تحولات فکری و سیاسی و سازمانی و نظامی پس از سال ۲۰۰۳، ۱۳۹۳، مرکز مطالعات عراق.
- رحمان سرشت، حسین، نوبری، نازک، پیچیدگی در سازمان، فصل نامه مدیریت شماره ۴۹.
- صورتجلسات تجمیعی مناسبات استان‌های سنی با دولت عراق پس از داعش، ۱۳۹۵، کارگروه عراق، مرکز مطالعات نیرو.
- عبدالرزاق، خیری و دیگران، ۱۳۹۲، تحولات سیاسی و امنیتی احزاب و جریان‌های سنی در عراق، ترجمه: نذاف زاده ابراهیم، مرکز مطالعات عراق.
- کارگروه عراق، راهبرد گروه‌های سنی در تقابل با حاکمیت شیعه، پژوهش پشتیبان شماره ۱۱۷، مرکز مطالعات نیرو.
- کرد پرس: <http://www.kurdpress.com/Fa>
- منوری، نوح، آنتروپی جامعه، ۱۳۹۱، نشریه علوم اجتماعی.
- نگاهی به اشارات سنّیان به جدایی، ۱۳۹۰، پژوهش شماره ۲۱، مرکز مطالعات عراق.
- نگاهی به وضعیت نیروهای بسیج مردمی عراق (تأسیس و عملکرد)، ۱۳۹۳، مرکز مطالعات عراق.

عربی

- الاخبار: <http://www.al-akhbar.com>
- الدستور العراقي: http://www.iraqinationality.gov.iq/attach/constitution_ar.pdf
- التکمه جی، صلاح، ۲۰۰۹، أزمه البعث فی العراق... حقائق و معالجات و مواقف، موقع الاخبار: <http://www.akhbaar.org/home/2009/04/67846.html?print>
- سومریه نیوز: <http://www.alsumaria.tv>
- الغریبه: <http://www.algharbiyanews.com>
- الکاتب، أحمد، عماره، محمد، ۲۰۰۷، السنه و الشیعه: وحده الدین، خلاف السیاسه و التاریخ، الدار العربیة للعلوم.
- المدی پرس: <http://www.almadapress.com>
- المانیتر: <http://www.al-monitor.com>

• بناء الاخباريه: <http://n.annabaa.org>

• الهاشمي، محمد صادق، سنه العراق: دراسه في ابرز التحولات السياسيه الاحزاب السنيه في العراق بعد عام ٢٠٠٣، ٢٠١٣، سلسله اصدارات مركز العراق للدراسات: ٦٢.

▪ - الهيائه الوطنيه العليا للمساءله و العدااله - الدائره الاعلاميه: <http://ncajustice.iq>

لاتين

- Armedservices.house.gov: <http://armedservices.house.gov/>
- Coleman, Stephen. (١٩٧٥). Measurement and Analysis of Political Systems: a Science of Social Behavior (Omarb. utg. av diss. Minneapolis, ١٩٧٢). New York: John Wiley & Sons:
- http://books.google.com/books?id=PVQjplusVqgC&pg=PR٣&vq=http://links.jstor.org/sici/.٣Fsici/.٣D٠٠٢٢-٣٨١٦/.٢٨١٩٧٧٠٨/.٢٩٣٩:٣/٣C٨١٣:MAAOPS/٣E٢/٠.CO/٣B٢-V&source=gbs_selected_pages&cad=٠_١.
- -CPA/ORD/٢٨ JUNE ٢٠٠٤/١٠٠: COALITION PROVISIONAL AUTHORITY ORDER NUMBER ١٠٠, TRANSITION OF LAWS, REGULATIONS, ORDERS, AND DIRECTIVES ISSUED BY THE COALITION PROVISIONAL AUTHORITY:
- http://www.iraqcoalition.org/regulations/٢٠٠٤٠٦٢٨_CPAORD_١٠٠_Transition_of_Laws_Regulations_Orders_and_Directives.pdf
- -CFR: ٢٠٠٥: B: IRAQ: Infiltration of Iraqi Forces: Sharon Otterman, February ٢٨:
- <http://www.cfr.org/iraq/iraq-infiltration-iraqi-forces/p٧٨٢٨>
- Defense.gov: <http://www.defense.gov> Gavrilis: ٢٠٠٥: Who are the infiltrators? James A. Gavrilis: <http://www.cfr.org/iraq/iraq-infiltration-iraqi-forces/p٧٨٢٨>
- ISIS: Portrait of a Jihadi Terrorist Organization, ٢٠١٤, the Meir amit intelligence and terrorism information center, At the Israel intelligence & Heritage commemoration center: <http://www.terrorism-info.org.il/en/article/٢٠٧٣٣> Icasualties: ٢٠١٥: Coalition Military Fatalities by Year: <http://icasualties.org/Iraq/index.aspx> Iraq Population clock: <http://countrymeters.info/en/Iraq>
- Kirk H. Sowell, Iraq's Second Sunni Insurgency, ٢٠١٤, Hudson Institute, Inc., <http://www.hudson.org/research/١٠٥٠٥-iraq-s-second-sunni-insurgency>